

نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران

امام خمینی خطاب به اجلاس افتتاحیه مجلس: ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهوری: گشایش یافت

● طرحها و پیشنهادهایی را که مربوط به عمران و رفاه حال ملت، خصوصاً مستضعفین است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید،

● (رژیم پهلوی) کشور را در تمام زمینههای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب، خصوصاً آمریکا کرد. بینیم شما و دولت منتخب شما بامت مستضعف، که به برکت انقلابش همه ما را از انزوا خارج نمود، چه خواهید کرد

● بلافاصله پس از استقرار حاکمیت (در کردستان)، نوبت انجام آنچه در قانون اساسی ما آمده است و آنچه در پیامهای امام ذکر شده است، بر خواهیم آمد و این نوع مشکل را از راه اعطای حقوقی که قبول شده است، حل خواهیم کرد.

نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۹ صبح دیروز طی مراسمی گشایش یافت. در این مراسم نخست آقای مهدوی گمی سرپرست وزارت کشور و عضو شورای انقلاب اسلامی ایران، در مورد انتخابات و مجلس سخن گفت و سپس برای اداره جلسه، آقای پداللسجایی بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۶
پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ روال

دو کلمه در باره «بین الملل سوسیالیستی»

به مناسبت ورود سه تن از رهبران «بین الملل سوسیالیستی» به ایران، بجا و مفید میبود، فشردهای از تاریخچه این جریان سیاسی، منشاء پیدایش آن، ماهیت آن، تحول آن، ترکیب آن، تناقضات آن، هدف آن و عملکرد آن، در مقاله ای به خوانندگان ارائه شود. ولی این کاری است که انجام آنرا میتوان به آینده موکول کرد.

بقیه در صفحه ۲

هشیار

و متحد باشیم!

توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب را عقیم گذاریم

در شرایط بفرنج امروز کشور، هر قدر بیشتر هشیار باشیم و دقیق تر به توطئه های امپریالیسم آمریکا و ایادی آن توجه کنیم و کاراتر آنها را عقیم گذاریم، بیشتر به انقلاب خدمت کرده ایم. در این لحظات حساس، که ضد انقلاب از هزاران راه، با هزاران وسیله، به هزاران شکل وارد عمل شده، تا جمهوری اسلامی ایران را ازین ببرد و انقلاب ما را به شکست بکشاند، سرنوشت انقلاب ما در گروی هشیار و اتحاد ماست.

دشمن آن آرزو را بگور خواهد برد و هرگز هیچ غلطی نخواهد کرد، اگر ما هشیار باشیم، اگر با چشم بنام تمام توطئه های رنگارنگ و وسائل مختلف عمل ضد انقلاب - امپریالیسم و عمال داخلی آن - را در همه زمینه ها بشناسیم و بشناسانیم و متحداً جلوی آنرا در همه زمینه ها با تمام وسایل بگیریم.

فراهم میکند. چپ نما تحریک میکند. محیط را متشنج میکند، بهانه میفرشد و راست افراطی از این وضع استفاده میکند. و تحریک را عمیقتر و محیط را بکلی آشوب کرده میکند. چپ نمایانه مخالفت با تعطیل ۱۴ خرداد، در عمل بود و راست افراطی گام بر میدارد و راست افراطی بهانه خواست تعطیل یکی دو ساله، نفاق را دامن میزند تحریک را به تحریب میکشاند. هر دوی آنها در نهایت به ضد انقلاب عمل میکنند. به ویژه آنکه ضد انقلاب آگاه در هر دو سو، هم در داخل چپ نماها و هم در داخل راست گویان انحصار طلب، حاضر و فعال است و ناآگاهان را در هر دو سو، طبق نقشه و بشکل سازمان یافته، بجان هم می اندازد.

لحظه، لحظه حساسی است. تازه مجلس افتتاح شده و آخرین گامها برای ختم مرحله انتقالی برداشته میشود. امپریالیسم هزاران مار در آستین دارد. تحریکات آن به: ایران شکل در میآید. مواظب باشیم، در دام انقیاد، امپریالیسم نمیتواند دامهای خود را در هر رنگ انقلابی بنا و چپ نما در آورد و هم رنگ دروغین اسلامی، آنطور که تاکنون هم در آورده است. حیف امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا، ایجاد تشنج، بر خورد و حمله و تحریب، ایجاد محیط بی ثبات و آشفته به کیه و نفاق است. که در آن میان بتواند با آسانی نقشه های اصلی خود را پیاده کند. و نقشه اصلی آمریکا نابودی انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

در روزهای ۱۴ خرداد و ۱۵ خرداد، با بهانه های ظاهر الصلاح میخواهند مارا به چنین دامهایی بکشانند.

هوموطنان مقامات مسئول! نهادهای انقلابی! سازمانها و گروههای طرفدار انقلاب و استقلال آزادی!

ما هشدار میدهیم، نگذاریم باردیگر به بهانه های مسایل دانشگاهی و به بهانه عکس العمل نسبت بان، زیر نامها و نقابهای مختلف، عناصر و گروهکهای که در جهت انقلاب عمل نمیکند، عده ای را بدنبال خود بکشند، جامعه را دچار تشنج کنند و راه را برای انقیاد توطئه های عمیق امپریالیستی باز کنند.

حوادث و نقشه ها نشان میدهد که هر قدر بیشتر هشیار باشیم، هر قدر بیشتر برای خنثی کردن توطئه های ضد انقلاب آماده باشیم، هر قدر اتحاد خود را مستحکم تر کنیم، از انقلاب بزرگی که این همه دردناک جانفشانی شده و این همه امیدهای میلیون ها زحمتکش بان بسته شده است، بهتر و مطمئن تر میتوانیم دفاع کنیم و آنرا به پیش ببریم.

ماست. این روزها نام امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، که پرچم نبرد علیه رژیم طاغوتی شاه مخلوع را برافراشت، پیوندی ناگسستی دارد.

ما هشدار میدهیم:

باین مناسبت افراد و گروههایی که زیر نام اسلام و حزب الله عمل میکنند، ولی از انحصار طلبان راست افراطی هستند، میخواهند با سوء استفاده از مناسبت این سالگرد و از راه پراخترا و حیثیت امام، درگیرها، حملات و آشوبهایی ایجاد کنند. آنها پیروزه تظاهرات توطئه آمیزی را که قرار است بمناسبت ۱۴ خرداد توسط چپ نماها سازمان داده شود، مورد سوء استفاده قرار خواهند داد، تا آنرا به مثابه عقابله بمثل و مقاومت و عکس العمل، به بهترین بهانه برای حمله و تحریب و آشوب و افشایش بدل کنند. آنها می خواهند از دستاویزی که روز قبل داده شده، استفاده کنند، تا اصولاً تعطیل کلی دانشگاهها را (بمدت طولانی) در مسایل (درخواست) طلب کنند و مسئله تحول ضرور در نظام آموزش عالی را، که بخشی از انقلاب فرهنگی است، به حربه های علیه انقلاب و علیه فرهنگ و به وسیله ای برای ایجاد بر خورد و تشنج بدل کنند.

تعطیل طولانی یکی دو ساله دانشگاهها بود کشور ما و انقلاب ما و فرهنگ ما و ضرورت تربیت سریع کادر سازنده و تامین استقلال کشور نیست. تصمیمات ضرور برای انجام دگرگونیهای حیاتی در امور دانشگاهها را باید هر چه سریعتر، پس از تعطیل ۱۴ خرداد، از طریق تبادل نظر با همه نیروهای دانشگاهی متعهد و نیروهای دانشجویی مترقی و انقلابی و جستن بهترین راه حل های عقلانی و مطابق با نیازهای کشور و هدفهای انقلاب اتخاذ گردد.

تشنج و آشوب، زود خورد و حمله، تحریب و درگیری، تنها راهت است امپریالیست ها است و برای عناصر ضد انقلاب داخلی بهترین زمینه عمل را

اکنون دیگر با تشکیل کلیه نهادهای پیش بینی شده در قانون اساسی، ضد انقلاب زخمهای تازه ای خورد و لیسنا هارت شده است. در ضمن بهلت وجود نارسائیها و ناپی گیریها یا انحصار طلبیها و تفرقه جوئیها، ضد انقلاب با گستاخی بیشتر و دامنه وسیعتری عمل میکند. ضروری و بلکه حیاتی است که هشیار انقلابی را در چندین گیم.

هشیار باشیم که در روزهای آینده، در اواسط خرداد، دشمن در صدد انجام مرحله دیگری از توطئه چند سویی خود علیه انقلاب است. روز ۱۴ خرداد، مطابق تصمیم قبلی شورای انقلاب، قرار است کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بسته شود.

ما هشدار میدهیم:

باین مناسبت افراد و گروههایی که زیر نقاب چپ نمائی عمل میکنند، به عنوان مخالفت با تعطیل دانشگاه و دفاع از دانشجو و آزادی دانشگاه می خواهند تظاهرات و سروصدا راه اندازند و اواسط را متشنج و محیط را آشوب کرده کنند. میخواهند آنچه را که در ایجاد قانون و خامت و کینه توزی و نفاق و زمینه سازی برای عمل ضد انقلاب، طی حوادث ماه گذشته دانشگاه، نتوانستند با انجام برسانند، حالا به بهانه ظاهر الصلاح اینکه نباید دانشگاهها بسته بشوند، عملی کنند.

بنظر ما دانشگاهها نباید برای مدت طولانی بسته شود، ولی با تعطیل آنها از ۱۴ خرداد، برای تدارک تحولات لازم در نظام غرب زده آموزش عالی نمیتوان مخالفت بود و بویژه نباید آنرا دستاویز بر خورد و تحریکها و تشنج آفرینها کرد. در برابر عملی که به ضد انقلاب و در جهت نقشه های آنها باشد، باید هشیار بود، در دام نیفتاد و اجازه انجام آن عمل را نداد. چنین تظاهرات و درگیریهایی تنها امپریالیسم را شاد میکند و با امکان توطئه آفرینی میدهد. و اما انزوی دیگر، روز ۱۵ خرداد یکی از مالکهای درختان در تقویم انقلاب شکوهمند

علیرغم این واقعات عیان، در کرنای جنگ برادر کشی می دهند!

دشمن انقلاب ایران، از ادامه جنگ زبان نمی بیند، سهل است، او خود جنگ را پدید آورده، خود بدان دامن میزند و خود از آن بهره میگیرد. او میکوشد تا جمهوری اسلامی ایران را در خون یاسد و سر باز و پیشمرگه، شوی و سنی، کرد و فارس غرق کند. اما گوی درک این حقایق و بر خورد مستولانه با آنان، برای بسیاری هنوز دشوار است.

تشدید و خامت در کردستان، گسترش دامنه جنگ برادر کشی در این سرزمین مصیبت کشیده، تنها دشمن و عمال آنرا پرور و جمهوری اسلامی ایران را تضعیف جمهوری اسلامی ایران می داند.

بشیراکت ۱۰۲ کشور در المپیک مسکو: تبلیغات ضد المپیک آمریکا مفتضحانه شکست خورد

آموزگاران کوبانی در نیکارا گوه، نمونه بر جسته همبستگی بین المللی خلقهای مبارز و ضد امپریالیست

قالبافان شیراز: ما را اصلا آدم حساب نمیکنند!

توطئه ضد انقلاب برای از بین بردن محصولات کشاورزی

مشکل دست فروشان را بسود آنان حل کنید!

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران به خلقهای قهرمان ایران و نیروهای ترقیخواه ضد امپریالیست

دستگیر شدگان کردستان را آزاد کنید!

تشدید و خامت در کردستان به سود امپریالیسم آمریکاست

عقل سلیم، تهدد و مسولیت نسبت به انقلاب و دستاورد های آن، تلاش برای تشدید و خامت در کردستان را محکوم میکند. چنین تلاشی که ماهیت جنگ برادر کشی در کردستان را نادیده می انگارد، چه از روی حسن نیت بعمل آید و چه از سوء نیت ناشی شود، مستقیماً به زیان جمهوری اسلامی ایران و سود دشمن اصلی خلقهای ایران، یعنی امپریالیسم جنایتکار آمریکا و نیز رژیم

عقل سلیم، تهدد و مسولیت نسبت به انقلاب و دستاورد های آن، تلاش برای تشدید و خامت در کردستان را محکوم میکند. چنین تلاشی که ماهیت جنگ برادر کشی در کردستان را نادیده می انگارد، چه از روی حسن نیت بعمل آید و چه از سوء نیت ناشی شود، مستقیماً به زیان جمهوری اسلامی ایران و سود دشمن اصلی خلقهای ایران، یعنی امپریالیسم جنایتکار آمریکا و نیز رژیم

در صفحات بعد

باشراکت ۱۰۲ کشور در المپیک مسکو: تبلیغات ضد المپیک آمریکا مفتضحانه شکست خورد

آموزگاران کوبانی در نیکارا گوه، نمونه بر جسته همبستگی بین المللی خلقهای مبارز و ضد امپریالیست

قالبافان شیراز: ما را اصلا آدم حساب نمیکنند!

توطئه ضد انقلاب برای از بین بردن محصولات کشاورزی

مشکل دست فروشان را بسود آنان حل کنید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۹/۳/۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

دهقانان کم زمین و بی زمین! به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

۲ کلمه درباره بین الملل سوسیالیستی...

بقیه از صفحه ۱
که بمناسبت مسافرت رهبرین «بین الملل سوسیالیستی» به ایران مطرح شده، ضرور است به واقیقات و نکاتی چند اشاره کنیم، تا برخی مطالب، که ظاهراً مبهم بنظر می‌رسند، روشن شوند.

به سال ۱۹۵۶، آنگاه که تهاجم نظامی سنجاییه (اسرائیل، فرانسه و انگلستان) به مصر انجام گرفت، در اسرئیل دولت حزب کارگر (عضو «بین الملل سوسیالیستی») و در مصر حزب سوسیال دمکرات - عضو دیگر «بین الملل سوسیالیستی» سر کار بودند. بهنگام تهاجم نظامی اسرئیل بمصر در اردن در سال ۱۹۶۷ باز حزب کارگر در اسرئیل قدر دولتی را در دست داشت.

همه میدانند که در انگلستان دولت بتناوب گاه در دست حزب محافظه کار، و گاه در دست حزب کارگر - کسب عضو «بین الملل سوسیالیستی» است - قرار میگیرد، ولی سیاست دولت فضیحه پادشاهی انگلستان، در اساس خود، در اجرای اراده انحصارهای امپریالیستی انگلستان بلا تغییر می‌ماند و بلا تغییر اعمال می‌شود.

دولت فعلی در جمهوری فدرال آلمان (آلمان غربی) دولت حزب سوسیالدمکرات - عضو دیگر «بین الملل سوسیالیستی» است. رئیس این دولت، هلموت اشمیت، معاون اول ویلی برانت است و ویلی برانت رهبر «بین الملل سوسیالیستی» است. دولت آلمان فدرال - چنانکه میدانییم یکی از اعضای فعال در بلوک بندی نظامی امپریالیستی ناتو، یکی از فعالترین دولتهای امپریالیستی نواستعمارگر و نیز چنانکه میدانییم، یکی از قدرترین دولتهای امپریالیستی در همکاری با امپریالیسم آمریکا، جهت ایراد فشارهای سیاسی و اقتصادی بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

از این منظر، که میتوان فهرست درازی از آنها ارائه داد، میتوان چند نتیجه گرفت:

اولا نام کارگر و یا سوسیالیست و یا سوسیالدمکرات احزاب «بین الملل سوسیالیستی» نامهای بی‌مسما و غلطاندازی است. این احزاب کارگری و سوسیالیستی نیستند، ضد کارگری و ضد سوسیالیستی‌اند. این احزاب، احزاب مدافع سرمایه‌داری انحصاری، مدافع سرمایه‌داری امپریالیستی‌اند.

ثالثا این احزاب مدافع سرمایه‌داری امپریالیستی، آنگاه که دولت را در اختیار میگیرند، سیاست آنها قریباً سیاست امپریالیستی، یعنی رسوخ سیاسی در کشورهای جهان سوم، برای تأمین رسوخ اقتصادی غارتگرانه انحصارات امپریالیستی در این کشورها است.

تالیا چون سرمایه انحصارات امپریالیستی در مرحله کنونی رشد سرمایه‌داری، سرمایه چندملیتی است، این احزاب سوسیالیست نیز، آنگاه که قدرت دولتی را در اختیار می‌گیرند، قریباً مانند دولت قبلی غیرسوسیالیستی خود، سیاستی اساساً در همکاری با دیگر دولتهای امپریالیستی، از جمله و بویژه با دولت امپریالیستی آمریکا، که نیرومندترین دولت امپریالیستی است، اعمال می‌کنند.

البته باید بین توده‌های عضو و یا هوادار احزاب «سوسیالیست» و رهبری این احزاب فرق گذاشت. چه بسا کسان در میان اعضاء و هواداران این احزاب هستند که صادقانه به سوسیالیسم اعتقاد دارند، اگرچه درک درستی از سوسیالیسم علمی ندارند. چه بسا کسان که اگرچه هوادار سوسیالیست نیستند و درک درستی از آن ندارند، ولی دارای افکار و تمایلات دمکراتیک هستند. اما اهرم رهبری این احزاب، با یک مکانیسم ظریف، همواره در دست عناصر رفرمیستی است که نه فقط اعتقادی به سوسیالیسم ندارند، بلکه مدافع سرمایه‌داری‌اند و وظیفه خود میدانند که سرمایه‌داری را، چه در زمانی که در اپوزیسیون قرار دارند، و چه بویژه وقتی که قدرت دولتی را بدست می‌گیرند، با «فرم» نجات دهند.

از جنب دیگر همانطور که بین انحصارهای امپریالیستی، در عین اتحاد برای غارت خلقها، رقابت و تضاد در تقسیم غارت نیز وجود دارد، بین دولتهای آنها نیز، در عین همکاری، تناقضاتی هست. ولی این تناقضات در چارچوب آن اتحاد و همکاری است، که باید برای برقراری سلطه سیاسی و غارت اقتصادی خلقها اعمال گردد، و عملاً، چنانکه مشهود است، اعمال میگردند و در اینجا هیچ فرقی در اساس، مگر در شیوه‌های دسترسی به قدرت، بین دولتهای احزاب سوسیالیستی عضو «بین الملل سوسیالیستی»، با دولتهای احزاب غیرسوسیالیستی وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد.

بدون تردید برای توده‌های مردم، اشکال و شیوه‌ها بی‌بهره، بی‌اهمیت نیست و نمیتوان همسپه آنها بی تفاوت بود. همانطور که بی شکل «دهکولتیک» حکومت سرمایه و شکل «فاشیستی» حکومت سرمایه تفاوت هست و مردم علیه این یکی می‌روند تا با استفاده از امکانات آن یکی، برای دگرگونی اساسی نظام اجتماعی مبارزه کنند. ولی مسئله اینجاست، که این اشکال و شیوه‌ها هرگز نمیتواند و نباید ماهیت و اساس نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری را از نظر دور بدارد.

پس اگر فرض کنیم که تمام احزاب عضو «بین الملل سوسیالیستی»، زمام امور، یعنی دولت را در کشورهای امپریالیستی اروپای باختری، کانادا و ژاپن در اختیار بگیرند - که در بسیاری از این کشورها بارها به حکومت رسیده‌اند - باز نه این کشورهای امپریالیستی، تغییر ماهیت خواهند داد، نه این دولتها را می‌توان غیر امپریالیستی پنداشت و نه آنها را می‌توان مستقل از امپریالیسم آمریکا دانست. لذا این واقیقت را باید دید و شناخت، که قطع نظر از وجود رقابتها و تناقضاتی که بین انحصارهای امپریالیستی و در نتیجه بین دولتهای این انحصارات وجود دارد، و قطع نظر از اینکه این دولتها بنام دولتهای «سوسیالیست»، «دموکرات»، «جمهوری»

خواهد، «محافظه کار» و غیره عمل کنند، اردوگاه دولتهای امپریالیستی یکی است و متشکل است از دولتهای اروپای غربی و ژاپن، کانادا، استرالیا و در راس همه آنها دولت امپریالیستی آمریکا. سیاست کلی این اردوگاه غارتگران بین المللی نیز در اساس خود یکی است و هدفش برقراری سلطه غارتگرانه در هر کشوری که بتوان این سلطه را برقرار کرد، درهم شکستن هر جنبش رهایی بخش استقلال طلبانه و هر انقلاب استقلال طلبانه، در هر کجا که بتوان این جنبش و این انقلاب را درهم شکست، از جمله بوسیله رسوخ مخزیده.

اگر این واقیقت را تبیین و شناسیم، آنگاه بر مبنای از پذیرش نظام اقتصادی - اجتماعی سوسیالیسم واقعی (هر کس و هر خلق است) پراحتی میتوانیم در عرصه نام نظریه «سجانه» اختراعی رهبران مائوئیست چین - یمنان در سرایشی قرار بگیریم که ما را بتدریج به پذیرش مجدد سلطه امپریالیستی در غلطاند.

این نظریه - چنانکه میدانییم - جهان را به «سجانه» تقسیم می‌کند: جهان اول متشکل است از دو ابرقدرت، جهان دوم متشکل است از دولتهای اروپای غربی، کانادا و ژاپن و «جهان سوم» شامل همه کشورهای قطع نظر از نظام اقتصادی اجتماعی و سیاسی آنها است. بنا به این نظریه، که هیچگونه وجه مشترکی با واقیقت علمی واقیقت ندارد و در اساس برای پیشبرد سیاست خصمانه نسبت به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای متحدش اختراع شده، «جهان سوم» می‌تواند با «جهان دوم» متحد شود و چپهای را بر این «جهان اول» تشکیل دهد. پذیرش این نظریه و اجرای آن در زمینه سیاسی و اقتصادی از طرف کشورهای از «جهان سوم»، که پاینده استقلال خویش باشند و بخواهند در راه تحکیم و تأمین استقلال واقعی و همه جانبه خود گام بردارند، سم مهلك است.

بنظر زائد میرسد که توضیح دهیم نظریه «سه جهان» از هر بابت غلط و بکلی مخفی است. معلوم است که نظام اقتصادی - اجتماعی در آمریکا و نظام اقتصادی - اجتماعی در اتحاد شوروی نه فقط همگون نیستند، بلکه در قلب مقابل یکدیگر قرار دارند. در آنجا سرمایه‌داری رشد یافته تا مرحله امپریالیستی و در اینجا سوسیالیسم رشد یافته تا مرحله دمکراتیک جامعه کمونیستی برقرار است. در آنجا دولت، دولت سرمایه - داران کلان، انحصارات امپریالیستی، الیگارشالی مالی است و در اینجا دولت، دولت زحمتکشان و خلق زحمتکش است. در آنجا مبنای سیاست دولت، تأمین حداکثر سود ممکن برای انحصارات امپریالیستی از طریق اسارت و غارت خلقها و حتی خلق خودی است، و در اینجا مبنای سیاست تأمین منافع حقه خلق خودی و دیگر خلقها از طریق کمک به رشد استقلال آنها است و...

واتکی اگر دچار پیشداوریهای ناشی از تبلیغات ضد شوروی امپریالیستی باشیم، حتی اگر شناخت علمی از سوسیالیسم و امپریالیسم هم نداشته باشیم، در عمل به راحتی میتوانیم مشاهده کنیم که سیاست دولت آمریکا با سیاست دولت شوروی نه فقط تفاوت، بلکه تضاد با یکدیگرند، در همه زمینه‌ها و در همه جا، از جمله نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

پس جهانی متشکل از دو ابرقدرت وجود ندارد. هر یک از این دو ابرقدرت نماینده جهانی، یکی جهان امپریالیسم و یکی جهان سوسیالیسم‌اند و نبرد تاریخ ساز بین این دو، در اساس خود آشکارا پذیرفته است.

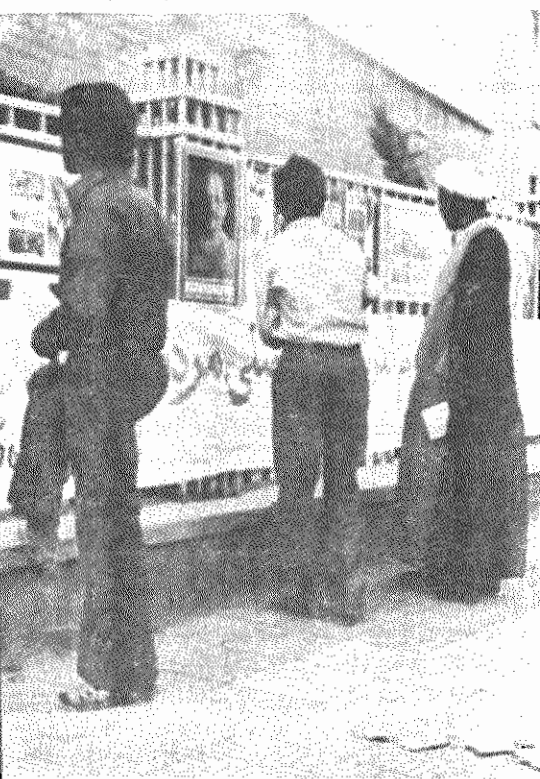
«جهان دوم» نیز مستقل از امپریالیسم آمریکا - چنانکه گفتیم - وجود ندارد. این جهان دوم، جهانی است امپریالیستی، تاراجگر، دشمن استقلال و رشد مستقل خلقها، جهان دشمن سوسیالیسم، که در آئینه وجود آن، مرگ خود را می‌بیند.

و اما «جهان سوم» نیز یکدست نیست و بنابراین چنین «جهانی» هم معنای جهانی از نقطه نظر نظام اقتصادی - اجتماعی - سیاسی یکسان وجود ندارد. در این جهان کشورهای زیر سلطه امپریالیسم، کشورهای نواستقلال ضد امپریالیستی، کشورهای رشد یافته در راه سرمایه‌داری، بسوی سوسیالیسم قرار دارند. چنانکه معلوم است نظریه «سجانه» هیچ وجه مشترکی با واقیقت ندارد. قبول آن می‌تواند مبنای این پندار قرار گیرد که مثلا جمهوری ضد امپریالیستی اسلامی ایران میتواند دست در دست دولت دست نشانده عربستان سعودی از «جهان سوم» و متحد با آلمان غربی (از «جهان دوم») علیه ابرقدرت آمریکا مبارزه کند و یا مثلا دولت انگلستان (از «جهان دوم») میتواند متحد با ویتنام (از «جهان سوم») در برابر شوروی یا آمریکا قرار گیرد، و یا مثلا دولتهای اروپای غربی عضو ناتو می‌توانند با دولتهای اروپای شرقی عضو پیمان ورشو، یا در برابر ابرقدرت آمریکا و یا در برابر ابرقدرت شوروی متحد گردند!

سیاست را نه می‌توان بر مبنای نظریه من در آورده صمد - جهان» و نه میتوان بر مبنای پندار و آرزو تدوین کرد. آن سیاستی قابل پیشبرد است که مبنای آن ناشی از واقعیتی باشد. واقیقت نیز جز این نیست که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و استقلال واقعی و همه جانبه کشور ما تنها در مبارزه با این دشمن قابل دسترسی است. واقیقت اینست که رژیم دست نشانده امپریالیسم در چپه دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. و نیز واقیقت اینست که - و در عمل نیز می‌توان این واقیقت را با حاکم شنید و دید - که اتحاد شوروی و همه دیگر کشورهای سوسیالیستی و غیرسوسیالیستی که در چپه نبرد با امپریالیسم قرار گرفته‌اند، دوستان صدیق و پشتیبانان راستین انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خواستار رشد مستقل کشور ما هستند، لاقلاً باین دلیل ساده که این رشد مستقل، چپه جهانی امپریالیسم را تضعیف می‌کند.

سیاست باید مبتنی و متکی بر واقیقات باشد، از جمله واقیقاتی که بر مضمون، و از جمله این واقیقت که احزاب عضو «بین الملل سوسیالیستی»، گردانهای سیاسی انحصارات امپریالیستی‌اند و در خدمت این انحصارات امپریالیستی عمل می‌کنند، اگرچه با شیوه‌ها و اشکال متفاوت با احزاب «غیر سوسیالیستی».

نمایشگاه بمناسبت سالگرد شهادت خسر و روزبه در امام شهر



بمناسبت بیست و یکمین سالگرد شهادت خسر و روزبه در امام شهر ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، از طرف هواداران حزب توده ایران در امام شهر نمایشگاه عکسی از جنایات امپریالیسم آمریکا و مبارزه خلقها و زندگی رفیق شهید خسر و روزبه، در این شهر تشکیل شد. این نمایشگاه که به مدت چهار روز ادامه داشت، مورد استقبال توده‌های مردم قرار گرفت.

پیرامون حوادث شب پنجم خردادماه در ساختمان ۲۰-۲۱ کوی دانشگاه تهران

باهشیاری و اتحاد خود، توطنه ضد انقلاب را خنثی کنیم!

هر چه بیشتر بایان نسیما تحسینی دانشکده‌ها و مدارس عالی و به ۱۴ خردادماه - مهلت تعیین شده برای پایان فعالیت‌های آموزشی این مرکز آموزشی عالی - نزدیکتر می‌شویم، فعالیت‌های ضد انقلاب در جهت به تشنج کشیدن این مراکز و دادن بهانه به نیروهای راست خارج از دانشگاهها، برای ایجاد درگیری و زد و خورد و گسترش آن به ریشه‌های دیگر جامعه تشدید میشود و هر روز زیر پوششی تازه، در این مراکز آموزشی، تکرار میشود. حوادثی که علیرغم گوناگونی در شکل و وقوعشان و پوششی که آنها در بر گرفته، همگی یک هدف را دنبال میکنند، ایجاد بدبینی بین نیروهای دانشجویی از طریق توهین زیرکانه به اعتقادات و عقاید آنان، ایجاد محیط متشنج و تحریک آلود و دامن زدن به درگیری در درون دانشگاهها... اهدافی که جای پای ضد انقلاب بر همه آنها بخوبی دیده میشود.

حادثه چند شب قبل ساختمان ۲۰-۲۱ کوی دانشگاه تهران نیز، که طی آن عناصر ضد انقلاب «خفاش گونه» ضمن توهین به عکس رهبران انقلاب، آنها را رودند، در همین چارچوب اتفاق افتاد. ضد انقلابیون که از این عمل خود هدف تولید تحریک احساسات پاک برخی دانشجویان و ایجاد بدبینی در آنان نسبت به سایر نیروهای دانشجویی فعال در کوی را دنبال میکنند، تا حدی نیز به هدف خود دست یافتند. چنانکه عکس العمل آن دانشجویان مبنی بر پاره کردن اعلامیه‌های دیواری گروههای دیگر و پیدائی یک جو متشنج و ناسالم در کوی، عواقب بدی حادثه فوق بود.

ما دانشجویان دمکرات ساکن کوی دانشگاه تهران از همان ابتدای وقوع حادثه توهین بر رهبری انقلاب، دست نایک ضد انقلاب را در این حادثه دیدیم و ضمن تاسف شدید، خواهان برخوردی هشدار دهنده از روی عجله و احساسات برانگیخته‌شده، با ضد انقلابیون شدیم. به عقیده ما با فاصله پس از وقوع حادثه، گروههای مترقی دانشجویی، اگر اتحاد عمل داشتند، میتوانستند هشدار نه ضد انقلاب (از به انزوا یکسانند و در عین اینکه اوباد دستپای به اهداف پلیدش ناکام میکند، قادر بودند دستا ناپاکش را از کوی کوتاه کنند. دوستان عزیز! در این شرایط حساس و سر نوشت ساز عمل هشدار دهنده و پدرواز عجله و تحت تأثیر احساسات تحریک شده و تلاش برای وحدت عمل همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست دانشجویی برای مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب، وظیفه همه دانشجویان و نیروهای دانشجویی انقلابی است. ما چند روز پیش نتیجه مثبت این چنین برخوردی را در کوتاه کردن دست عوامل گروهك ضد انقلابی حزب رنجبران بهنگام تبلیغات ضد انقلابی در سلف سرویس کوی بخوبی تجربه کردیم و چسا داد که در تداوم موضعگیریه و فعالیت‌هایمان، این چنین متحد و یکپارچه و در حالیکه تنها منافع انقلاب شکوهمند میهنمان را در نظر داریم، عمل کنیم.

مایکبار دیگر ضمن محکوم کردن عمل ضد انقلابی رودند عکس رهبران انقلاب، همه نیروهای مترقی دانشجویی را به هشیاری و وحدت عمل فرا میخوانیم. برقرارداد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانشجویی مدافع حقوق دانشجویان و ضامن حفظ و تحکیم جنبش دانشجویی دانشجویان دمکرات ساکن کوی دانشگاه تهران ۱۳۵۹/۳/۶

نخستین مجلس...

بقیه از صفحه ۱
بنوان رئیس سنی مجلس و نیز آقای مهدی بازرگان به عنوان نایب رئیس سنی و ۶ تن جوانترین نمایندگان مجلس بنوان منشی معرفی شدند.
سپس حجت الاسلام سید احمد خمینی پیام امام خمینی رهبران انقلاب ایران، را خطاب به اجلاس افتتاحیه مجلس، قرائت کرد. در این پیام از جمله آمده است: «انتخاب شما برای پیاده نمودن عدالت اسلامی، که در طول سلطنت ظالمانه و غاصبانه رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودید، رؤیایی که ثروت سرشار کشور را به خود و همیمان نامیون خود اختصاص داد... و کشور را در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب خصوصاً آمریکا کرد. بنییم شما و دولت منتخب شما با ملت مستضعف که به برکت انقلابی، همه ما را از انزوا خارج نمود، چه خواهید کرد... امید آنست که رسیدگی به حال مستضعفین و مستندان کشور، که قسمت اعظم ملت مظلوم را دربر می‌گیرد، در راس برنامه‌ها قرار گیرد و از طرف دولت منتخب شما، بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود...»
طرحها و پیشنهادهایی را که مربوط به عمران و رفاه حال ملت، خصوصاً مستضعفین است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید و از نکته‌سنجی‌ها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تویق امسر است، اجتناب فرمایید و از وزارت خانه‌ها و ماموران اجرا بخواهید که از کاغذبازی‌ها و غلط کاریهای زمان طاغوت، اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگیهای آنان را بطور ضروری تحصیل و تربیت کنند...

در ادارات دولتی، قوانین دست و پاگیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تویق و یا تحقیر امور شده و میشود و چاهه را به تنگ آورده است، بطور انقلابی لغو کنید، گرچه خود لغو است، و بجای آنها قوانین مترقی را که رفاه ملت در آنها بهترین وجه ملاحظه شده باشد، جایگزین گردانید»

پس از اتمام قرائت پیام امام، آقای ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهور، سخنرانی کردند. رئیس جمهور در سخنان خود از جمله خطاب به مردم کردستان گفت: «بلافاصله پس از استقرار حاکمیت، توبت انجام آنچه در قانون اساسی ما آمده است و آنچه در پیامهای امام ذکر شده است، برواغب آمد و این نوع مشکل را از راه اعطای حقوقی که قبول شده است، حل خواهیم کرد...»
آقای بنی‌صدر در ادامه سخنان خود، از جمله گفت: «ما امیدواریم این مجلس تصویب رسیده، در راه بهبود زندگی قشرهای محروم جامعه، به تصویب رسانند و مقدمات آن بین رقتن تبعیضات اجتماعی فراهم آید... از نظر مجموع نپناهها که بوجود آمده‌اند، مشکلس اول و اساسی، مشکل وابستگی اقتصادی است و مابه مسائل اجتماعی باید در پروتو مسائل اقتصادی بنگریم...»
سپس مراسم ادای سوگند نمایندگان بعمل آمد و اجلاس افتتاحیه نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، خاتمه یافت.

پوشش و پاسخ

جلسات پرسش و پاسخ، روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

مردم جمهوری خلق کوه همبستگی خود را با مردم کوه جنوبی اعلام کردند

در پیونگیانکه، پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق کوه، اجتماع بسیار با شکوهی بعنوان اعتراض علیه وحشیگریهای دار و دسته نظامی مزدور کوه جنوبی علیه خلق این کشور برگزار شد.

شرکت کنندگان در اجتماع، سرکوب مردم کوه جنوبی توسط دست نشاندهان امپریالیسم آمریکا در سئول را، که ندای حق طلبانه مردم محروم را به خاک و خون کشیده اند، محکوم کرد. لیبونگجو، عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب کارگر، در این اجتماع گفت که رویدادهای کوه جنوبی نشان میدهد که رژیم سئول از سر نوشت پارک چونگهی درس عبرت نگرفته است و کماکان به سرکوب مردم ادامه میدهد. این مقام گفت که مقامهای دولت دست نشانده سئول با کمال بیشرمی شایع میکنند که گویا همبستگی مردم کوه جنوبی در حوادث کوه جنوبی دست دارد، در حالی که این شایعات بکلی بی اساس و دروغ مضی است.

از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری دموکراتیک خلق کوه نیز هیاهوی آمریکا و رژیم خیمه سبازی سئول را درباره باطل شدن «تهدید انزفال» دست داشتن «دکویستها» در حوادث کوه جنوبی فاش کرد. این خبرگزاری اعلام کرد که رویدادهای کوه جنوبی یک امر کاملاً داخلی است و جمهوری دموکراتیک کوه دخالتی در مسئله ندارد. این خبرگزاری تأکید کرد که جمهوری دموکراتیک کوه قصد ندارد در امور داخلی کوه جنوبی مداخله کند، و امروز نیز مایل است که گفت و شنود را با نظر اتحاد مجدد صلح آفرین دو کوه با سئول ادامه دهد.

در بیانیه خبرگزاری تأکید شده است که امپریالیسم آمریکا باید از تحریک عوامل فاشیستی و نظامی برای دست زدن به خونریزیهای بیشتر خودداری کند.

مردم کوه جنوبی با عزم راسخ در مقابل فشارهای نظامیان کوه جنوبی و مستشاران آمریکایی آنها مقاومت می کنند

مردم مبارز کوه جنوبی، که علیه ظلم و ستم رژیم دست نشانده و واخان کوه جنوبی قیام کرده و شهر کوانگجو و شهرهای اطراف آن را به تصرف خویش در آورده اند، در مقابل نیروهای سفاک کوه جنوبی با عزم راسخ ایستادگی می کنند.

با مداد روز پنجم اندیشه تیرهای پلیس و ارتش کوه جنوبی با ۱۰ هزار چشپاژ و زیر حمایت تانک و توپخانه سنگین و زره پوش به پیشروی های مرکزی شهر حمله بردند. اخبار رسیده حاکیست که این دشمنان با بی رحمی فوق العاده به خانه ها هجوم می برند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. بازداشت های دسته جمعی در تمام شهر شروع شده است. ولی در مقابل ایمن همه پیماندهای مردم کوه جنوبی با قاطعیت و صراحت اعلام کرده اند، مادام که خواسته های ما برای بر استعفا زنیال دیکتاتور، لغو حکومت نظامی، اجرای اصلاحات دموکراتیک و آزادی زندانیان بر آورده نشود، مقاومت خواهند کرد.

حمله نظامی به شهر کوانگجو و شهرهای اطراف آن دستمایه زین نظر امپریالیسم آمریکا انجام می گیرد. مستشاران نظامی آمریکایی تمام عملیات سرکوبگرانه علیه مردم مسموم و مبارز کوه جنوبی را زیر نظر دارند و دستورات لازم را جهت پیشرفت کارها می دهند.

۹ روز نبرد در شهر کوانگجو تاکنون بیش از ۱۴۰ نفر کشته و ۴۶ نفر اسیر شده اند.

شورای مرکزی سندیکاهای اتحاد شوروی قلع و لغم خونین مردم سیاه پوست آمریکا را محکوم میکند

شورای مرکزی سندیکاهای اتحاد شوروی به مناسبت رویدادهای میامی در آمریکا بیانیه ای منتشر ساخت. در این بیانیه قلع و لغم خونین مردم سیاه پوست آمریکا در میامی به شدت محکوم شده است.

در بیانیه آمده است:

«این سرکوب خشن و بیرحمانه سیاه پوستان، که موج خشم و نفرت کارگران شوروی را برانگیخته است، در عین حال نمایانگر آنستکه شدت عمل و عدم رعایت ابتدائی ترین حقوق سیاه پوستان، یک واقعیت تلخ آمریکایی کنونی است. سرکوب سیاه پوستان در میامی بار دیگر تزییر و سالیسی دستگاه دولتی آمریکا، که خود را مدافع رعایت حقوق بشر قلمداد می کند، نشان داد. دولت آمریکا که خواستار رعایت حقوق بشر در سایر کشورهاست، خود ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای اهالی سیاه پوست آمریکا را به خشونت آمیزترین وجهی زیر پا میگذارد. شورای مرکزی سندیکاهای اتحاد شوروی بنام ده میلیون کارگران شوروی خواستار آنستکه به این اقدامات تروریستی ژادپرستانه پایان داده شود. کارگران شوروی میخواهند که حقوق سیاه پوستان و سایر اقشاری ملی رعایت و تضمین شود و روح مساواتنامه های هلنیستی و حقوق بشر نسبت به آنان مراعات گردد.»



رهبران یمن دمکراتیک و سوریه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و نزدیک را قاطعانه محکوم کردند

مذاکرات رسمی علی ناصر محمد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن و رئیس هیئت رئیسه شورای عالی خلق و نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن و حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه در دمشق پایان یافت.

«دو طرف به تفصیل اوضاع انفجار آمیز خاورمیانه را مورد بحث قرار دادند و راههای تقویت جبهه پایداری عرب را برای خنثی کردن توطئه های ضد عرب امپریالیسم، سیهوئیسم و ارتجاع بررسی کردند.»

رهبران دو کشور قاطعانه سیاست تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و نزدیک را، که متوجه کشورهای مستقل منطقه است، محکوم کردند.

علی ناصر محمد در دمشق اظهار داشت که یمن دمکراتیک قاطعانه از سوریه حمایت می کند، زیرا خلق سوریه نهاد جنبش رهایی بخش عرب است.

حافظ اسد نیز ضمن تأکید به گسترش روابط دو کشور و تحکیم جبهه پایداری عرب، اعلام کرد که امپریالیسم، سیهوئیسم و ارتجاع منطقه علیه سوریه توطئه چینی می کنند، اما همه این توطئه ها در هم شکسته میشود.

فنانوردان شوروی و مجارستان در فضا سفینه فضائی سایوز ۳۶ اتحاد شوروی، به سر نشینی والری کوباسوف فرستاده سفینه (اتحاد شوروی) و ژولیان پارکاش، فنانورد مجارستانی به فضا پرتاب شد. قرارداد این سفینه به آژانس فضا شوروی، فضا شوروی، که هم اکنون فنانوردان شوروی در زمین و با یوف و نزدیک به دو ماه است در آن بررسی برنده، ملحق شود

والری کوباسوف، که دو بار قهرمان ملی اتحاد شوروی شده است، با روسوم است که به فضا می رود. فنانورد مجارستانی سی ساله دارودخلبان است و از چند سال پیش در اتحاد شوروی سرگرم گذراندن دوره های آموزشی بوده است.

کوباسوف و پارکاش پنجمین گروهی هستند که بر طبق برنامه «انتر کاسوس» به فضا میروند: سفینه سایوز ۳۶، که با پرچم اتحاد شوروی و مجارستان به فضا پرتاب شده است، در واقع تداوم رشته پروازهای کیهانی است که بر طبق برنامه «انتر کاسوس» با شرکت فنانوردان کشورهای سوسیالیستی از دوسال پیش آغاز شد.

انتظار میرود که آزمایشهای فضائی کوباسوف و پارکاش حدود یک هفته بدر از یکشنبه این دو فنانورد، همراه با فنانوردان آزمایشگاه سالیوت ۶، بر نامه های مشترک علمی و تجربی در زمینه مسائل پزشکی، بیولوژی، زمین شناسی و دیگر تجربیات علمی انجام خواهند داد.

فانکاش، فنانورد مجارستانی، قبل از پرواز گفت که تجاربی در فضا انجام خواهد شد که برای اقتصاد ملی مجارستان ضروری است. بنا به درخواست دانشمندان و زمین شناسان مجارستان، قرارداد تجاربی در مورد سطح زمین صورت

خلق هائیتی در اسارت امپریالیسم امریکاست

دو تنیک ایلر تانیک صفتو سابق پلیس مخفی هائیتی، که به کار اکلن فرار کرده است، در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که «دولت» جلاخ خلق هائیتی تنها با حمایت اردبانان آمریکایی خود می تواند به حکومت ادامه دهد.

ایلر تان با اندوه و تأسف فراوان از فقر و بدبختی خلق هائیتی یاد کرد و گفت که مردم از همه حقوق و آزادیهای اساسی محروم اند و طبقه کارگر شدیداً بوسیله کارفرمایان محلی و ویژه انحصارات غارتگر و خون آشام آمریکایی استثمار میشوند و بیش از دو میلیون نفر از مردم هائیتی از کشور فرار کرده اند.

این سخنان تکان دهنده یک مقام برجسته پلیس مخفی هائیتی با دیگری بخوبی نصاب از چهره کارتر و اردبانان او در زمینه باصلاح دفاع از حقوق بشر میگرداند و نشان میدهد که انحصارات امپریالیستی تا چند خلقهای جهان را به خاک سیاه نشانده اند.

رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن لزوم درهم شکستن تسوخته های امپریالیستی، سیهوئیستی و ارتجاعی را تأکید کردند

علی ناصر محمد، دبیر جمهوری دموکراتیک خلق یمن، هنگام اقامت در دمشق با رهبران فلسطینی مذاکرات مفصلی پیرامون اوضاع کلی جهان عرب و انقلاب فلسطین و تسوخته های امپریالیسم و سیهوئیسم و ارتجاع انجام داد. در این ملاقات ها، یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین، نایف حواتمه رهبر جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، ژرژ حبش رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین و فاضل قعودی رئیس دفتر سیاسی سازمان آزادی بخش فلسطین، ابوجماد و ابومیزر شرکت داشتند.

در این ملاقات لزوم درهم شکستن توطئه های امپریالیستی، سیهوئیستی و ارتجاعی، با تمام وسایل موردتاکید قرار گرفت.

کنفرانس همبستگی با مبارزه خلقهای آسیا و آفریقا، سرکوب سیاهان آمریکایی را محکوم کرد

سازمانهای ترقیخواه و خلقهای مبارز جهان همچنان قتل عام سیاهان آمریکا را بوسیله هیئت حاکمه این کشور محکوم میکنند. از جمله در کنفرانس همبستگی با مبارزه خلقهای آسیا و آفریقا سرکوب سیاهان مبارز بوسیله ژادپرستان و مزدوران پلیس آمریکا شدیداً محکوم شد.

این کنفرانس با انتشار قطعنامه ای تأکید کرد که قتل عام سیاهان در میامی ثابت میکند که ادعاهای زمامداران واشنگتن در مورد باصلاح دفاع از حقوق بشر تا چه اندازه سالیوسانه و ریاکارانه است. در قطعنامه ضمن اشاره به وضع نابسامان و اسفبار سیاهان آمریکا، روش «جنتیگاران» و ژادپرستانه، هیئت حاکمه آمریکا محکوم شده و همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا با سیاهان آمریکا در مبارزه علیه ژادپرستی مورد تأکید قرار گرفته است.

نظامیان آمریکایی و سرپازان مزدور رژیم سرسپرده سئول، به کشتار مردم کوه جنوبی مشغولند

سرانجام سربازان مزدور رژیم سرسپرده کوه و نظامیان آمریکایی، درمشتان به مردم قهرمان شهر کوانگجو حمله بردند و ظاهراً توانسته اند در پی یک نبرد خونین، که به کشته شدن صد هاتزن از مردم مبارز شهر کوانگجو منجر شده است، بیشتر قسمتهای شهر را تصرف کنند.

اما گزارش شهر رومرگز آنرا تصرف کنند. کماکان ادامه دارد و گروههای مقاومت تشکیل شده است و این گروهها نظامیان مزدور کوه جنوبی و مستشاران آمریکایی را هدف حملات شجاعانه خود قرار میدهند.

رهبری اصلی حمله به مردم شهر کوانگجو را ژنرال ویکهم، فرمانده نیروی اشغالی آمریکا در کوه جنوبی، به عهده دارد. هلیکوپترها و هواپیماهای آمریکایی و کوه ای مرتباً بر فراز شهر پرواز کرده و چند بار اجتماعات مردم را به رعبا رگلوله بسته اند.

گردد، که برای کشاورزی مجارستان اهمیت اساسی دارد. فنانورد اتحاد شوروی نیز تأکید کرد که یک رشته تجربیات دقیق علمی در فضا صورت خواهد گرفت. قبلاً فنانوردان چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان، لهستان و بلغارستان بر طبق برنامه «انتر کاسوس» تجاربی دقیق در فضا انجام داده بودند.

آموزگاران کوبائی در نیکاراگوئه

نمونه برجسته همبستگی بین المللی خلقهای مبارز و ضد امپریالیست

خلق قهرمان نیکاراگوئه، که بعد از سالها مبارزات خونین، عاقبت موفق شد به رهبری ساندینیستها، سوموزای خونخوار را، که مانند شاه خائن قویا از سوی امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکاییستیبانی میشد، سرنگون کند، اکنون در حال بازسازی کشور خود است. دولت انقلابی نیکاراگوئه اکنون در حال انجام اصلاحات اساسی برای بهبود وضع زحمتکشان کشور است و در این راه از کمک و پشتیبانی کشورهای ضد امپریالیست و دوست، از جمله کوبای انقلابی برخوردار است.

کلاسها درس می خوانند، امری عادی محسوب میشود.

بعضی اوقات والدین و فرزندان نشان سرب کلاس حاضر می شوند و در سایر مواقع بچه ها در حین روز و اولدینشان در طی شب به مدرسه می روند. برای نمونه در شهر ویلا گوارز، در ناحیه آل المندرو، در یک کلاس کودکان ۶ تا ۱۳ ساله، همگی در کلاس اول روزانه درس می خوانند و والدین آنها شبا برای فرا گرفتن خواندن و نوشتن، در همان کلاس و با همان معلم حاضر می شوند.

در خیابان والدین، فرزند بزرگتر کارهای خانه را انجام میدهد و از برادرها و خواهرهای کوچکترش مراقبت می کند.

آموزگارانی که کار کوبائی را بخود را فقط به کلاس درس محدود نمی کنند. آنها کارهای آموزشی و سایر فعالیتهای ورزشی و فرهنگی نیز ترتیب می دهند. در تعطیلات آخر هفته و تعطیلات پایان سال این آموزگارانی در کارهای نظیر برداشت محصول قهوه و ساختن مدارس و مراکز بهداشتی دیگر در اطراف آنها فعالیتها را صرف دستمزد ناچیز حاصل از این فعالیتها در صرف خرید وسایل و لوازم مدرسه و غیره می کنند.

علاوه بر تمام اینها، آموزگارانی انترناسیونالیست کوبائی در کلاسها و سایر اماکن عمومی، امر بهداشت را ترویج می کنند. آنها همچنین به وزارت بهداشت ملی نیکاراگوئه برای ترفیج مردم به استفاده از داروهای پیشگیرنده کمک فراوان می رسانند.

بمنوان مثال می توان از کمکهای فراوان این خود گذشتگان در آمارگیری از زنان باردار، کمک به کودکان دچار سوء حاضه و واکسیناسیون ضد بیماریهای مختلف در جهت برنامه های دولت انقلابی یاد کرد.

آموزگارانی کوبائی همچنین در آمارگیری از یسوادان و تعداد بزرگ برنامه برای مبارزه وسیع ملی برای محو این پدیده ناهنجار شرکت فعال داشته اند.

کار تمام با فداکاری این آموزگارانی در روستاهای دور افتاده نیکاراگوئه، محبت دوستانیان را جلب کرده است. بعضی از آنها از هم اکنون با تأسف روزهای باقی مانده از مدت مأموریت دوساله معلمین کوبائی را می شمردند. آری، کوبای انقلابی و سوسیالیست، همواره وظایف خود را به نحو احسن در قبال خلقهای جهان و در قبال همبستگی بین المللی با انسان انجام داده و میدهد.

دولت ساندینیستها برای نهضت سواد آموزی اهمیت فوق العاده قائل است. زیرا چون ایران، ۷۰٪ جمعیت این کشور بیسواد هستند.

در این زمینه یاری آموزگارانی انترناسیونالیست کوبا به کشور نیکاراگوئه، که در ۵۵۸ مدرسه تازه تاسیس در همین تعداد شهر به تدریس اشتغال دارند، کمک سودمندی به انقلاب نیکاراگوئه و خلق آن سرزمین است.

طبق آمار وزارت فرهنگ، از این تعداد ۵۳ مدرسه ۵۳ واحد بوسیله خود دهقانان و با نظارت تشکیلات کارگران مزارع و با کمک و شرکت مستقیم آموزگارانی کوبائی ساخته شده است.

همینطور ۶۵ خانه تفریحی شده و به مدرسه تبدیل گردیده است و تعداد دیگری از خانه ها نیز به همین منظور در حال تعمیر هستند، تا بزودی مورد بهره برداری قرار گیرند.

۱۲۰۰ نفر آموزگار کوبائی در دو دهه افزایشترین مناطق بخش های ۱۶ گانه نیکاراگوئه در روز یکبار آموزش حدود ۵۰۰۰ نفر دانش آموز ابتدائی و در شب به کار آموزش چندین هزار کارگر روستائی و زنان خانه دار، مشغولند.

بنا به توافقی که میان دو کشور صورت گرفته، آموزگارانی کوبائی از ۵ نوامبر ۱۹۷۹ به نیکاراگوئه وارد شده اند و وزارت فرهنگ نیکاراگوئه آنها را برای تدریس در مناطقی که بیش از همه احتیاج به آموزگار داشته اند، فرستاده است. این آموزگارانی انقلابی در خانه های روستائیان زندگی می کنند و بطور دریگان آموزش هموطنان سزاساندینو (رهبر شهید مبارزات آزادی بخش مردم نیکاراگوئه، که نام ساندینیستها از نام او گرفته شده است) را به عهده دارند.

کارلوس گوتیر، رئیس بخش ایوسان خوان در جنوب نیکاراگوئه، اخیراً قدرت ابتکار، انضباط و فداکاری آموزگارانی کوبائی را ستود و اظهار داشت که آنها همسران فوق العاده هستند.

گرچه کمبود مدارس در گذشته باعث شده است که اکثر دانش آموزان از سال اول ابتدائی شروع به درس خواندن کنند، ولی برای سایر کلاسها نیز در صبحها و بعد از ظهرها درس داده می شود، و کلاسهای شبانه مخصوص سالیس و دایس است. این روزها مشاهده بزرگسالانی که برای سواد آموزی در مدارس اسم نوشته اند و در کنار بچه های پنج شش ساله در سر

شورای مرکزی اتحادیه های کارگری اتحاد شوروی سرکوب خونین خلق کوه جنوبی را قاطعانه محکوم کرد

حقوق بشر سخنگو میگوید، در واقع رژیم دیکتاتوری دست نشانده سئول را به ارتکاب جنایات جدید تشویق میکند. در بیانیه اضافه شده است: «مردم شوروی مانند همه بشریت ترقیخواه قاطعانه علیه اقدامات های ضد خلقی دار و دسته نظامی کوه جنوبی اعتراض و همبستگی خود را با مبارزه خلق کوه جنوبی اعلام میکنند.»

شورای مرکزی اتحادیه کارگری اتحاد شوروی با انتشار بیانیه ای سرکوب خونین خلق کوه جنوبی بوسیله حکومت دست نشانده این کشور را قاطعانه محکوم کرد. در بیانیه آمده است، در حالیکه سرکوب خونین خلق کوه جنوبی ادامه دارد، حکومت کارتر آزادی خود را برای افزایش حمایت از حکومت ضد خلقی سئول و گسترش حضور نظامی آمریکا در کوه جنوبی اعلام میکند، و اشتگتن در حالیکه از دموکراسی و

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه مردم در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت نمکین و متفورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری و پاساژ - نامه مردم

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

قالی تکانان شیراز: حساب نمیکند! مارا اصلا آدم

قالی تکان ها: صبح ناشب اگر جان بکنیم، ۵۰-۴۰ تومان گیرمان می آید



بیماری ریوی و کوری چشم، قالی تکان ها را تهدید میکند



بیکاری، اینان را به کار طاقت فرسا و بی حاصل قالی تکانی وامیدارد

بهدر میرد هیچ تازه زندگی آنان را نیز تامین نمیکند. اینان به انقلاب امید درختانند. حاضرند بازم در رنج و محرومیت باشند، اما باین امید که انقلاب در نیمه راه متوقف نشود و تا پیروزی کامل به پیش برود و دستاوردهایش شامل حال این کوخ نشینان بشود. به این امید که بیکاری برطرف شود و آنان نیرویشان را در کاری سازنده و پارس بکار اندازند.

چشم نام دارد کور میشود

بیماری که غلام مریدی نام دارد، باب سخن میکشاید. کوری خمیده و بدنی تکیده دارد. پلک هایش از هم یاز نمیشود و گرد و خاک سروصورتش را پوشانده است. میگوید:

«چشم نام دارد کور میشود. سال پیش را نتوانم ببینم که دردم کرده است»

۷۷ سال است که قالی تکانی میکنم. از دوره شاه مخلوع کارم این بوده و هنوز هم خاک میخورم. هنوز هم کسی برایمان کاری نکرده است. در انقلاب ۱۳۵۷ ماه بیکار شدم. تمام هست و نیست را فروختم. توی قلهات هم شرکت میکردم. دامادم تیر خورد. حالا که تیر شده، دولت باید کمک کند. توی یک زیرزمین نندار زندگی میکنم. که پلاستیک حیوان در آن زندگی میکنند. ۱۳۰ تا هم بچه داریم»

سخن او را عزیزانم چنین بیکاری میکنند: «برادر، با این گرانی اصلا خرج زندگی ما تامین نمیشود. الان زن من مرخص است. اما دکتر برای ماهی ۵۰ تومان میگردد. نسخه دواخانه ۳۰۰ تومان میشود» او که در زندگی رنج بسیار برده، درباره زندگی اش میگوید: «از بچگی یتیم بودم. از دوره سربازی در شیراز ماندگار شدم. الان در اطلاق اجاره ای هستم. هیچ»

بهدر میرد هیچ تازه زندگی آنان را نیز تامین نمیکند. اینان به انقلاب امید درختانند. حاضرند بازم در رنج و محرومیت باشند، اما باین امید که انقلاب در نیمه راه متوقف نشود و تا پیروزی کامل به پیش برود و دستاوردهایش شامل حال این کوخ نشینان بشود. به این امید که بیکاری برطرف شود و آنان نیرویشان را در کاری سازنده و پارس بکار اندازند.

مارا اصلا آدم حساب نمی کنند

علی عزیزانم، ما را اصلا آدم حساب نمی کنند. یار که شدیم، چه کار کنیم؟ دولت باید قوری پهل ما بکند. اگر مرخص شویم کارمان تمام است. ما از دولت میخواهیم که برای ما شغل دست و پا کنند. در این وضع چیزی گیرمان نمی آید بشوریم. گوشت، نسیزی، خودکام هم میدارند که اگر سبزی و نان نتوریم که لای کار کردن نداریم»

یکی دیگر از کارگران حرف او را قطع می کند و با شکوه می گوید: «برادر، ما که مسکن نداریم، نه بهداشت، نه یتیم، دکتر برویم. وضع همه مان هم یکجور است. تا بحال ما را اصلا جزو آدم حساب نیارده اند»

عزیزانم در تایید حرف دوستش ابراهیم میگوید: «یوادارها که بفکر ما نیستند. همین تاجرهای قالی، ۳-۴ روز که باران آمد و بیکار شدیم، حتی جواب سلام ما را نمیدادند، از ترس اینکه بکنند ۴۰۰-۴۰۰ تومان از آنها قرض بخواهیم. انتظار زحمت میکشیم تا یک قالی را

انتظار خم و راست شده اند، که قاسمشان خمیده گشته، و انتظار در میان خیاری از گردو خاک تنفس کرده اند، که ریه هایشان بیمار و صدایشان خش و خش دارد، خاک چشمان آنان را کم سو و قرمز کرده، بطوریکه خیلی از آنها پس از چند سال در معرض خطر کوری قرار میگیرند. ایشان جزئی از میلیونها فرزندان رنج و کار - اما محروم و ستم دیده - این سرزمین اند. ایشان کوخ نشینانی هستند که با قالی تکانی زندگی را میگذرانند، کسانی که پس از عمری زحمت و کار و خاک خوردن و عمری خم و راست شدن و پر قالی کوبیدن، بدون اینکه بپسروای از این زندگی برخوردار شوند و بدون اینکه از کوچکترین مزایای زندگی انسانی شان جامه عمل ببوشانند، خمیده و شکسته میشوند و در اواسط زندگی از کار میافتند و فراموش میشوند.

مسائل کارگری

دست از کار میکشند و سر در دلشان باز میشود:

کار نیست و مجبوریم در این وضع کار کنیم. نکنیم از گرسنگی می میریم»

علی عزیزانم، که غباری از رنج و غم بر چهره دارد، چنین می گوید:

از صبح تا عصر باید جان بکنیم. تازه تفری هم ۵۰۰ تومان گیرمان می آید. آنوقت با این خرج زندگی تازه میمانم که بیکار کنیم. در هفته هم که چند روزی را بیکاریم و اگر باران بیاید، کارمان تعطیل میشود. این وضع کار مستلست. راستش از روی مجبوری است که در این وضع کار می کنیم. چون کار نیست، ما هم نمیتوانیم سربار جامعه باشیم»

اینان که با غیرت و غرور خاص زحمتکشان بار آمده اند، نمی خواهند بیکار و سربار باشند. اما کار در وضع فعلی نیز خردشان که میکند و نیرویشان را که

آری، اینان گروهی دیگر از زحمتکشانی هستند که به «برکت» سالی سلطنت منحوس رژیم سرسبزده امپریالیستهای آمریکایی بر این سرزمین و عمری را در محرومیت و فقر و ستم سپری کرده اند و امروز با اینکه هنوز نیرویشان به بدر میبرد و هنوز هم در محرومیت پس میروند، اما چشم آیدشان را به انقلاب درخته اند، انقلابی که با دستان خردشان و سرزمین زحمتکش آنان بارور شده است. قال تکانان در بیشتر شهرها هستند، در تهران، در اسفهان، در شیراز و... و اینبار به سرخ آفتاب در خیابان ساحلینو شهر شیراز میرویم. به آنان نزدیک میشود. خاک آستان فضای اطرافشان را پر کرده، که نتیجه حضور ما میشوند. همگی باهم قالی بزرگی را بلند کرده اند و بر سنگهایی که روی زمین چیده اند، میگویند و سر با آن آهویی از گرد و غبار را بسوا پراکنده می کنند. لایه ضخیمی از خاک تمام چهره و اندام آنان را پوشانده است. از تکاندن یک قالی فارغ میشوند و آن را روی پشته ای از قالیهای تکانده شده میگذارند و تازه ما را می بینند و وقتی از کار ما باخبر میشوند، همگی

سدا میگویند: «آمده ایم. جلو آمریکا را بگیریم» و بی سر قال تکان میگویند: «در روزنامه آن بنویسید که غلام مریدی آمده جنگ با آمریکا است» از آنان دور میشود. توده عظیم خاک بیوا بلند شده و کارگران خم و راست میشوند و کار طاقت فرسای قالی تکانی را از سر میگیرند.

آماده ایم جلوی آمریکا را بگیریم

در این لحظه وانتباری، که قالیهایی گنیف را از بازار آورده، از راه میرسد و منتظر کارگران میشود. آنان نیز با عجله به سراغ وانتبار میروند، تا قالیه را خالی کنند و کارشان را از سر بگیرند. از آنان میپرسیم: اگر آمریکا به ایران حمله کند شما چه می کنید؟ همگی بر میگردند و یک

مبارزات خلق ها و شکست سیاست های تجاوز کارانه امپریالیسم

دولت فلسطینی و حضور بیشتر نظامی خود، در دریای عمان واقیانوس هند، بهای بیشتری میدهد. جای بسی شگفتی است! چگونه امکان دارد، کشوری که، اسرائیل قاصدا تادندان سلاح های مدرن و بمب های اتمی مسلح کرده و بسا آوازه نمودن میلیون ها تن فلسطینی، آن را بعنوان پایگاهی در قلب کشورهای منطقه و برای اعمال سیاستهای سلطه - ملیانه اش بنا نهاده، اکنون با اصطلاح تغییر می داده و حقوق آنها را برسمیت بشناسد؟ (چنانکه دیدیم با توکر دن قطنامه ای که تجاوزات اسرائیل را محکوم میکند، زحمتی را برای تهاجم بهی اسرائیل فراهم کرد.) و چگونه ممکن است، امریکایی که همیشه با استفاده از اقتدارش در منطقه بعنوان پایگاه نظامی، چهره واقعی خود را در پس نقاب حقوق بشر منحنی میبندد، حال مستقیما خود مبارزات بلشکرتش نموده و منطقه را یک پست قوی نظامی مبدل کرده است؟ پس اگر آمریکا، تقویت حضور نظامی را طرح کرده و یا دم از پذیرش یک دولت فلسطینی میزند، ترمه و نتیجه سیاستهای ضد امپریالیستی و مشغول دانی نبرد خلق ها - و منجمله خلق فلسطین - با امپریالیسم است.

بارها و بارها توسط نیروهای انقلابی و خلقهای ازبندسته، این مسئله مطرح شده است. در مبارزه خلقها با امپریالیسم، بیش از دوران نمی تواند متصور باشد، اسارت یا نبرد. اگر می بینیم که امپریالیسم آمریکا، پیروزی مردم ویتنام را می پذیرد، اگر شاهد پیروزی ملت کوبا بر امریکای استعمارگر هستیم و اگر... نه بدلیل مسامحه، دلسوزی و بهت مسائل مهتره سیاست های استعماری آمریکا، بلکه بدلیل مبارزات بی امان این توده های زجر دیده است. بخاطر داریم که مثلا در ویتنام، چگونه مردم، سلاح بردوش و با چنگک بردندان در مزارع، کارخانه ها و... از حیثیت، شرف و حقوق خود در مقابل امپریالیسم آمریکا دفاع کرده و بمب افکنهای غول پیکر «ب - ۵۲» را به زیر میافکنند و بیاد داریم که... پس کوتاه شدن دست آمریکا، نه بدلیل اقدامی از طرف خود، بلکه به علت شکستی است که توسط توده های مردم بدان تحمل میشود. اکنون همه شاهد نمه هایی هستیم که توسط امریکای متحدینش ساخته است، و بدین شکل که، «نیازهای انرژی آمریکا به نفت خلیج فارس، مسکن است باعث تغییر می آن کشور شده و لذا به سپریایی یک

۲- به بدین کردن مردم نسبت به اسلام. بر خوردن این شبکه های توزیع و احتکار، باید از درون بازار شروع شود، چرا که این شبکه ها با نفوذی که در دستگاه های اداری مادارند، و با روابطی که باشبکه های بین المللی برقرار نموده اند، تاکنون مانع از اجرای قانون ملی شدن تجارت خارجی ایران شده اند. این شبکه ها، با

نقش بازار در افزایش تورم

بجز کسبه جزء و کارگزاران بازاری، که در طول چند ماه اعتصاب قبل از پیروزی زبانهائی را متحمل شدند، باید اصلی بازار، در یکماه بعد از کشایش مجدد بازار جبران گذشتند را براحتی کرد. قیمتها در بازار به طور سرسام آوری، بدون ضابطه بالا میرود، آنچه که در بازار وجود ندارد، ضوابط اسلام است و متعاقبا، بازار ایران ما با قیافه های متشع و ظواهر اسلامی خود، دوزخیان را متوجه انقلاب مامیاسازد، ۱- استعمار بی حد و حصر مستضعفین.

در مطبوعات کشور

مجاهدین خلق ایران شرکت ورزشکاران ایران در بازیهای المپیک را خواستار می شوند

بخواستار آمد مردان ورزش برای شرکت در بازیهای المپیک احترام بگذارید

به نام خدا و به نام خلق مهران ایران سازمان مجاهدین خلق ایران با توجه به نقشه های سوداگرانه دشمن اسلیمی خلقهای جهان، امپریالیسم آمریکا، که به نتیجه قصد دارد از طریق تحریم المپیک مسکو در قلمرو سیاست بین المللی و در برابر خلقهای تحت ستم برای خود حقاقت و مشروعیتی دست و پا کند، منع شرکت ورزشکاران و نلسانان را در این بازیها به مصلحت نمی داند. به خصوص که امپریالیستهای امریکایی آغاز کرد و سرمدار جریان تحریم بازیهای المپیک اخیر می باشند. بنابراین ما خواستار احترام گذاشتن به تنایل رادمردان ورزش ایران مبنی بر شرکت در این المپیک هستیم. از نمای مجاهدین خلق ایران

نامه مردم بر آن آذربایجان

را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

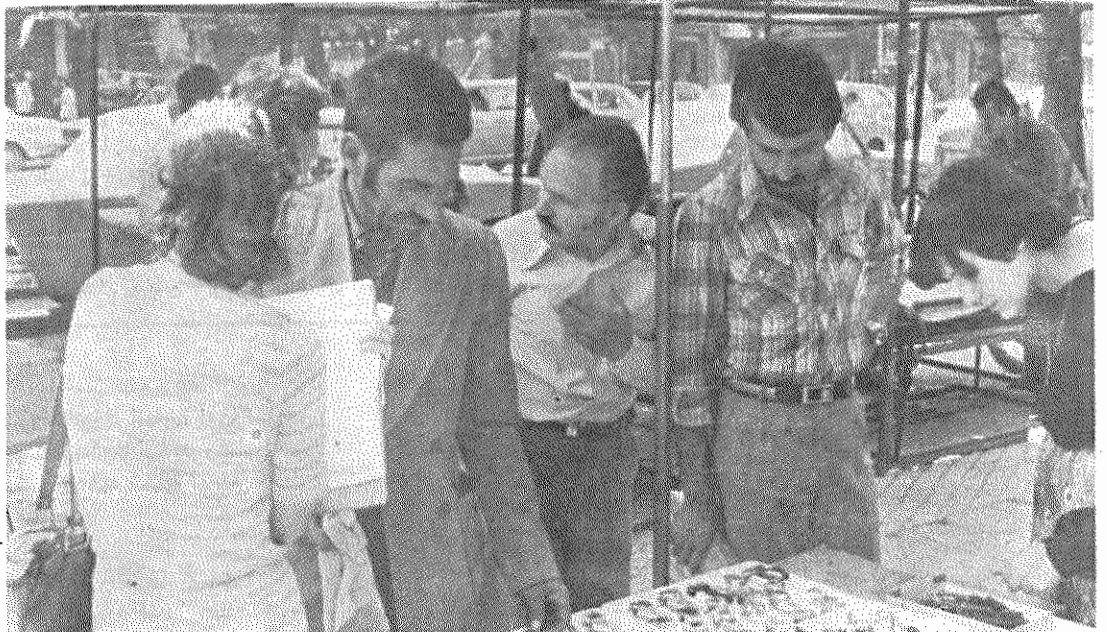
یکشنبه ها: نامه مردم بزبان کردی. هوسطان کرد مقیم تهران میخوانند نامه مردم بزبان کردی، که روزهای یکشنبه

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

مشکل دست فروشان را به سود آنان

حل کنید

باید تاراه افتادن چرخ های اقتصاد کشور، محل مناسبی را برای ادامه کار دستفروشها، که اکثریت آنها از زحمتکشان هستند، در نظر گرفت



يك كارگر، كه به دستفروشی روی آورده، به خبرنگار نامه مردم می گوید: اگر کاری پیدا شود، هیچ علاقه ای به دستفروشی ندارم.

عناصر ضد انقلاب آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی را دریزد سلب کرده اند

عده ای از عناصر مشکوک اخیراً با ایجاد جو متنجی در شهریزد از فروش روزنامه های احزاب و سازمان های سیاسی جلوگیری بعمل می آورند. بر اساس اطلاعات رسیده، این افراد مشکوک تاکنون چند بار هواداران حزب توده ایران و همچنین سازمان مجاهدین خلق را تهدید به قتل کرده و به آنها اخطار کرده اند که از فروش روزنامه های خود در این شهر خودداری کنند.

مسئولین حزب توده ایران درین دیدهبندوبال وقوع این حوادث، به مقامات مشول شهریزد مراجعه و از آنها تقاضای رسیدگی کردند، ولی این مسئولین به بهانه اینکه «مهاجین را نمی شناسیم»، از رسیدگی به شکایات آنان و حتی تشکیل پرونده خودداری کردند. ماضین اعتراض شدید به اینگونه اعمال شد انقلابی، به مقامات مشول شهریزد یادآور می شویم که به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی آزاد و مسولیت حفظ این آزادی نیز بر عهده مسولین است. لذا ما از مسولین شهریزد می خواهیم که با ملاحظه چندی با عوام مل شد انقلاب، از نیامال شدن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری بعمل آورند.

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

دستفروشی در کنار خیابان حرفه ایست که بعد از انقلاب، رشد چشمگیری پیدا کرده است. دستفروشها با زدن چادر و ایجاد دکه، حاشیه بسیاری از خیابانهای تهران را به محل کسب دائمی خود تبدیل کرده اند. تعداد دستفروشهای تهران، که هر روز هم زیادتر میشود، دقیقاً معلوم نیست. اما روشن است که رونق دستفروشی در روزهای انقلاب آغاز شد و در سال گذشته به اوج خود رسید. دستفروشی در واقع حرفه کسان است که بدلیل کوتاگونی بیکار شده اند و برای گذراندن زندگی خود، با سرمایه زندگی، به دستفروشی پرداخته اند.

از چندین پیش مسئله برچیدن دستفروشها به شکل های مختلفی مطرح شده است. هفته پیش شهرداری طی اعلامیه ای از دستفروشان خیابان مصدق، که یکی از مراکز عمده دستفروشان است، خواست تا دکهای خود را جمع کنند. بدنبال اعتراض دستفروشان، نمایندگان آنها، برای حل این مشکل، روزیکشنبه جلسه ای با شهردار منطقه ۲ در محل شهرداری ترتیب دادند. در این جلسه شهردار منطقه تصویب کرد که دستفروشان تا اطلاع ثانوی در آن مکان باقی بمانند تا جای مشخص و ثابتی برای حل مشکل آنها فراهم کنند.

برای آشنا شدن با وضع دستفروشان، سری به محل تجمع آنها در خیابان مصدق میزنیم، در ضلع شرقی خیابان مصدق با تراکم زیاد جمعیت در بر و می شویم. دستفروشان با چادر و دکه های کوچک و گاهی هم فقط با یک میز مستطیل شکل، بساط خود را پهن کرده اند، تا بلکه بتوانند روزی خود را، که بقول خودشان «حقوق کارگری» است، در بیاورند.

شروع کار این دستفروشان با فروختن انواع واقسام مایحتاج زندگی از صبح زود شروع میشود و تا ۱۰ شب ادامه دارد. بساط دستفروشان از سه راه جمهوری شروع میشود و تا خیابان فاطمی ادامه می یابد، تعداد دکه های این دستفروشان، از خیابان بلوار کشاورز تا خیابان دکتر فاطمی ۵۰۰ عده است که در حدود یک پیاده رو بساط خود را گسترده اند. گاهی این بساط وسط پیاده رو هم، که محل عبور و مرور است، پهن میشود.

با یک محاسبه و نگاه کلی میشود متوجه شد که دستفروشان بدودسته تقسیم میشوند: دستفروشان جوانان تحصیل کرده زیر ۲۵ سال که بدنبال لقمه نانی و برای کمک به خانواده خود، باین شکل روی آورده اند. دسته دوم کارگران و کارمندان بیکاری که بدوران انقلاب، بدنبال تمطیل شدن کارخانه ها و ورشکته از کار بیکار شده اند و هم اکنون بساط دستفروشی راه انداخته اند.

کارگران و کارمندان دست فروش

هادی احمدی، یکی از دستفروشان که بفروختن بلوزهای مردانه مشغول است، میگوید: «من قبلاً در کارخانه شیرپاستوریزه کار می کردم، ولی بدوران انقلاب از کار بیکار شدم و الان حدود یکسال است که بیکارم. دستفروشی روی آوردم. این کار درآمد ثابتی ندارد، یکی روز خوب است و روزی بد نه. ولی درآمدش از روزی ۹۰-۱۰۰ تومان تجاوز نمی کند». این کارگر دستفروش یکی از صدها کارگری است که با ۸-۹ س عائله روزی ۱۰۰ تومان درآمد، باید از پس گوشت کپلویی ۵۰ تومانی و گوچه فرنگی کپلویی ۱۰ تومانی برآید، تازه اگر روشن نهائی گریش بیاید.

مهندس پناهی، کارمند اخراجی، که حدود ۶ ماه است به دستفروشی روی آورده است، گفت: «من کارمند يك شرکت انكلیسی بودم. این شرکت بعد از انقلاب منحل شد و من هم مجبور شدم به دستفروشی پناه بیاورم». ناصر بصیری، کارمند دیگری که با منحل شدن شرکت به مشکل دستفروشی روی آورده است، در مورد جمع کردن دستفروشها گفت: «اگر دولت بساط ما را جمع کند و شغل بر ایما ندادارک نمیند، من خودم شخصاً مجبور میشوم برای سیر کردن شکم چهار نفر، دست بدهم. چون شکم گرسنه هیچ منطقی سرش نمیشود». در این دستفروشان، پس پیمای ۱۲-۱۳ ساله زیادند. پس پیمای که جلوی بساطش انواع واقسام روسریها را با هم عرض

فروش گذاشته است و تیزهوشی را حتی می توان از نگاهش خواند، می گوید: «اسم نامی است. ۱۲ سال دارم. برای کمک به خرج خانوادم به یکی از دوستان پدرم که دستفروش است، کمک می کنم و ماهی ۵۰۰ تومان هم حقوق می گیرم». می پرسیم: درس می خوانی؟ می گوید: نه. جوابش احتیاجی به توضیح و دلیل ندارد.

تحصیل کرده های بیکار

آچه در میان دست فروشان جلب نظر میکند، تعداد زیاد جوانان تحصیل کرده ایست که به شکل دستفروشی روی آورده اند. فراموشی یکی از این جوانان است، که تا سوم متوسطه بیشتر درس خوانده و برای کمک به خرج زندگی خانوادم، بساط کفشفروشی بر راه انداخته است. او به علت کوتاگونی سن پدرش، که سه گانه یونان دار شهرداری است و نمیتواند بطور مداوم کار کند، مجبور شده است ۱۲ ساعت دستفروشی کند.

محمد یکی دیگر از تحصیل کرده های است که از روی احتیاج به شغل دستفروشی روی آورده است. وی که یکی از نمایندگان موقتی دستفروشان است، می گوید: «دو سال است که در رشته برق و ساختمان دیپلم را گرفته ام. و بعد از چندماه بیکاری، برای گذراندن خرج زن و بچه ام به شکل دستفروشی روی آوردم. من یادآمده ای که ثابت نیست باید در ماه، علاوه بر ۱۵۰۰ تومان کرایه خانه، از پس هزینه سنگین زندگی هم برآیم».

هیچکدام عاشق خیابان و شغل دستفروشی نیستیم. اگر دولت به ما کار ثابت بدهد و یا لاقبل تا به گزشت درآمدن چرخ کارخانه ما را در یک محل مناسب بصورت بازارچه مستقر کند از این بی تکلیفی نجات پیدا می کنیم. من خودم و دیگر نمایندگان، طی تماسی که با شهردار منطقه ۲ داشتم، پیشنهاد کردیم که فعلاً فروشگاه بزرگ ایران، واقع در سه راه جمهوری را، که دارای ۳۵۰۰ میز است، در اختیار سه هزار دستفروش تهران قرار دهند. این طرح مورد مطالعه قرار گرفته است.

دستفروشها تنها کارگر و کارمند نیستند، در میان آنها کشاورزان هم دیده میشوند. گلوشن، کشاورزی که از ده بهشت آمده تا بلکه بتواند در این جا تأمین بیشتری داشته باشد، به خبرنگار ما گفت: «من در یکی از دهات خراسان کشاورز بودم. بعد از انقلاب مالک زمینش را از ما گرفت و ما مجبور به مهاجرت شدیم. الان با ماهی ۸۰۰ تومان کرایه خانه و چهار سائله، باید روزی ۱۲ ساعت کارم دارم، در این هوای گرم که واقفاً طاقت فرست، انجام دهم. آنها هم یادآمده ای که ثابت و مشخص نیست».

رامحل مشکل چیست؟ «فراهم کردن کاری که زندگی ما را بچرخاند». این خواست اصلی همه دستفروشان است. رشیدی، یکی از دستفروشان این خواست را چنین توضیح می دهد: «چرا من که میتوانم از بازویم در کار تولیدی استفاده کنم، باید به شکل دستفروشی که درآمد ثابتی هم ندارد، روی آورم». امیر پیرام بصیرت در این مورد میگوید: «ما از دولت می خواهیم که با راه انداختن چرخ کارخانه ها، ما را در کارهای صنعتی بکار بگیرد».

مشکل دستفروشان با جمع آوری دکهای آنها حل نمیشود. دستفروشان در این زمینه زنده ای خود، ناچار به محل دیگری روی خواهند آورد. با اضافه شدن انقلاب از این فرست سود خواهند جست تا دستفروشان را، که اکثریت آنها زحمتکشان هستند، نسبت به انقلاب بدین کند. همانطور که دستفروشها پیشنهاد کرده اند، میتوان محلی را که مناسب است، بصورت بازارچه در آورد و در اختیار دستفروشها گذاشت. این برنامه کوتاه مدت باید به برنامه درازمدت، یعنی تأمین کار ثابت برای دستفروشها، که با به راه افتادن چرخهای اقتصاد کشور ارتباط دارد، پیوند بخورد.

در جهان سوسیالیسم

مقام عالی زن در کشورهای سوسیالیستی

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۵۹ درصد کادرهای لیسانس و دیپلمه، زن هستند. شصت درصد اقتصاددانان اتحاد شوروی را زنان تشکیل میدهند. نزدیک به ۵۰ درصد مهندسان، ۴۰ درصد فارغ التحصیلان دانشگاهی در کشاورزی و ۴۰٪ دانشندان این کشور، زن هستند. بیش از نیم میلیون زن شوروی مدیریت کارخانه های صنعتی، ساخوژها، کالجور، مراکز ساختنی و بنیادهای اداری، آموزشی و پژوهشی را به عهده دارند.

در جمهوری دمکراتیک آلمان نزدیک به ۷۰ درصد زنان شاغل، از آموزش حرفه ای بهره مند شده اند، نود و نه درصد دخترانی که پس از آموزش همگانی قصد ورود به دانشگاه را ندارند، به آموزش حرفه ای می پردازند. نزدیک به ۴۰ درصد کارآموزان مشاغل فنی، دختر هستند. سهم دختران دانشجوی در دانشگاهها و مدارس عالی ۴۷ درصد و در مدارسی تخصصی ۷۰ درصد است. در حدود يك سوم مدیران مؤسسات گوناگون اقتصادی جمهوری دمکراتیک آلمان به عهده زنان گذاشته شده است. يك پنجم رؤسای بهادری شهرستانها، يك چهارم شهردارها، يك چهارم مدیران مدارس، يك سوم مسؤلان دانشگاهها و مدارس تخصصی و پنج و شصت درصد کارکنان بنگاههای تجاری زن هستند. ۳۳٪ درصد نمایندگان مردم را در ارگانهای مقننه ملی و محلی زنان و دختران تشکیل میدهند.

در رومینام، در مجلس ملی، ۳۰ درصد و در شوراهای محلی، ۴۰ درصد نمایندگان مردم را، زنان تشکیل میدهند. فزون بر این، ۵۰ تن از معماران و اعضای شوراهای ایالتی، بیش از ۳۰۰۰ رئیس و معاون شوراهای استانی و شهرستانی، ۱۳۰ مدیر و معاون کارخانه و ۷۰۰۰ رئیس و معاون تعاونی های تولید کشاورزی زن هستند.

در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی ۴۲ درصد دانشجویان دخترند. سهم زنان در کمیته های ملی، ۳۰ درصد است.

در بلغارستان، يك سوم مهندسان، ۴۵ درصد پزشکان، نزدیک به ۴۰ درصد آرشیتکتها، طراحان و تکنیسینها و ۳۷ درصد اقتصاددانان زن هستند. در دانشگاهها، بیش از ۵۰ درصد دانشجویان، ۱۷ درصد دانشاران و ۳۹ درصد کارمندان علمی را زنان تشکیل میدهند.

در جهان سرمایه داری

محرومیت زنان و کودکان در کشورهای سرمایه داری

در یونان ۹۷-۹۰ درصد زنان کارگر از هر گونه آموزش حرفه ای بی بهره اند. ۷۸ درصد از ۱۰۱۵۰۰ نفر سکنه یسواد این کشور را زنان تشکیل میدهند.

در دانمارک ۱۰۰۰۰۰ کودک در لیست انتظار مهد کودک و کودکستان قرار دارند.

در استرالیا تنها ۱۲ درصد مادری که کودک کوچکتر از پنج سال دارند، میتوانند کودکان خود را به مهد کودک یا کودکستان بفرستند، در حالیکه نیازمندی مادران استرالیایی در حدود ۴۷ درصد است.

در اسرائیل، زنان، ۷۰ درصد کارکنان «دودن پایه» را تشکیل میدهند. ۳۷ درصد زنان اسرائیلی یسوادند و ۵۰ درصد آنها تنها ۵-۸ کلاس درس خوانده اند.

مخارج مداوا در بیمارستان میثاقیه بسیار گزاف است

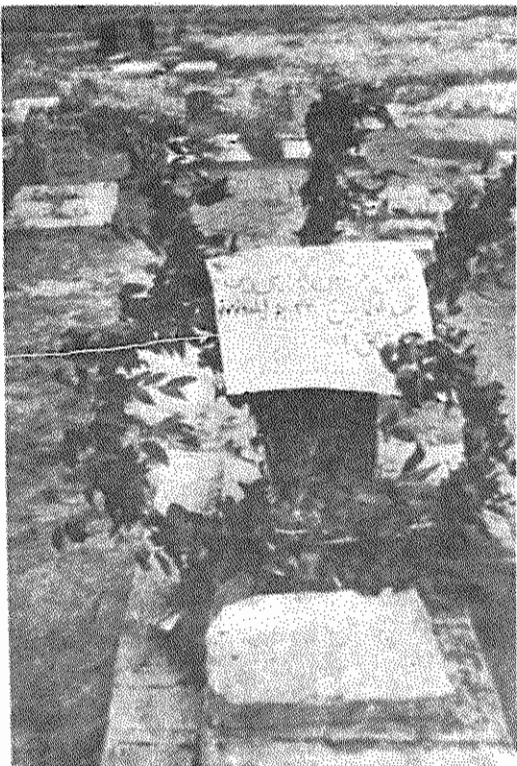
مخارج بیماران در بیمارستان میثاقیه، که تا قبل از انقلاب با وجود بالا بودن هزینه بیمارستانی خصوصی بود و بعد از انقلاب از طرف بنیاد مستضعفین مصادره شد، بسیار گزاف است. برای نمونه قیمت اتاق خصوصی در این بیمارستان ۵۵۰۰ که هر چه زودتر به وضع این بیمارستان رسیدگی کنند و مخارج و اتاق نوزاد ۹۰۰ ریال است، آن را در حد قدرت مالی مستضعفین قیمت دیگر مایحتاج بیماران نیز کاهش دهند.

شماره های گذشته نامه «مردم» - از شماره يك تا صد - برای فروش به طور تك شماره آماده است

به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

مراسم سی و سومین سال شهادت رفیق فریدون ابراهیمی در تبریز



بهمناسبت سی و سومین سال شهادت رفیق فریدون ابراهیمی مراسم از طرف فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در تبریز برگزار شد. از طرف فرقه دمکرات آذربایجان همچنین دسته گلی تبار من از رفیق شهید فریدون ابراهیمی کردند.

اجاره مسکن باید با درآمد حقوق بگیران متناسب گردد

«با وجود تورم فزاینده‌ای که کشور در حال حاضر با آن درگیر است، تقسیم عمده این تورم بر دوش حقوق بگیران است و اقبال دیگر بخصوص تاجران و کسبه بازار سود کلانی از این تورم تسبیحان می‌شود...»

بودجه سال ۱۳۵۹ پاداش کارکنان را حذف کرده و هیچگونه اضافه حقوقی که متناسب با تورم فزاینده باشد، در نظر نگرفته است. بدون تردید سازمان برنامه و بودجه با این عمل خواسته است تا آنجا که ممکن است از بیار مشکلات اقتصادی بگذرد، ولی آیا با تداوم این یکجانبه پندراکثرت و پسوداقلبت انکشت‌شمار، میتوان مشکلات داخل کرد و گسرها را گشود؟

عده‌ای که برای چند صباحی سواحل کن و دریاچه‌های سوئیس و عشرتکده‌های موت کارلو را ترک کرده و به کشور بازگشته‌اند، مستأجرین را در تنگنای سختی قرار داده‌اند و با اصرار و ابرام از همه مهمت با انگه به قوانین دوران طاقوت خواهان تخیله خانه‌ها هستند. فروش چه زودتر یگانه هدف این گروه انصاحیان مستغلات است. گروه دیگر از این آقایان، به بهانه بالادفن هزینه زندگی، خواهان افزایش یحساب و کتاب‌گریه هستند. در این میان قوانین دوران رژیم مخلوع همچنان به نفع این اقلیت فارتگر عمل میکنند.

آیا مقامات مسئول وزارت مسکن و شورای انقلاب، فکری به حال صدها هزار مستأجری که جز دستمزد و حقوق منبع دیگر درآمدی ندارند، کرده‌اند؟ چرا کارگران و کارمندان، حتی پس از پیروزی انقلاب باید قربانی امیال آزمندانده مشتی صاحبان تسروت گردند؟

روزنامه «انقلاب اسلامی» (مورخ ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹) در مقاله «تسویب بودجه» به درستی می‌نویسد که:

حزب توده ایران با احساس کامل مسئولیت سیاسی و تاریخی خود، روی این خواست تاکید و اصرار می‌کند و امیدوار است که مقامات مسئول با توجه به اهمیت مساله، بیش از این انتشار این طرح را که نکات اساسی و عمده‌اش بر آورنده خواسته‌های بحق مردم رنج‌دیده کردستان است، به تمویق نیندازند.

ما باید دیگر تاکید و تصریح میکنیم که سرکوب ضدانقلاب در کردستان، ضدانقلاب وابسته به بخت عراق، بازماندگان رژیم و عمال امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم امری ضروری و فوری است. اما تحقق این امر ضروری و فوری، تنها در چارچوب حل مساله امتز مساله کردستان، از طریق جدا کردن خلق کرد از ناهندهای آتش‌افروز و خائن، امکان پذیر است.

برای نپل به این مقصود، باید خلق کرد را مطمئن ساخت، تکرار میکنیم، مطمئن ساخت که حقوق حقه‌اش از طرف جمهوری اسلامی ایران با و داده خواهد شد. تنها در این صورت در این صورت خلق کرد حساب خود را از آتش‌افروزان، مزدوران و جنگ طلبان که عوام فریبانه نقاب خیرخواهی بر چهره نهاده، جدا خواهد ساخت، آنها را در هر پوششی که باشند، خواهد شناخت و قاطعانه با انقلاب خواهد پیوست. در چنین صورتی میتوان ضدانقلاب را خورد و نابود ساخت.

سرپرست و هر چه روشن تر جهت عمل سیاسی خود را از جهت نیروهای وابسته به امپریالیسم، ضدانقلاب و بخت عراق، از کومله‌ها، شیخ جلال‌ها، زرکاری‌ها و شیخ عثمان‌ها و غیره جدا سازند و قاطعانه در راه ناپود ساختن این دشمنان انقلاب ایران، گام نهند. یک چنین سیاست روشنی خواهد توانست عناصر و محافل جنگکس افروز را که در مقامات حاکمه ایران جای گرفته و میکوشند با تحریکات مخرب، از تحقق رهنمودهای امام خمینی در زمینه حل مساله کردستان، که در پیام تاریخی ۲۶ آبان ۵۷ بیان گردیده بود، جلوگیری کنند، افشا و بی اثر نماید.

۲- همانطور که بارها و بارها اعلام داشته ایم، بنظر ما، اعلام رسمی و بی‌درنگ طرح تصویب شده‌ای که آقای رئیس‌جمهور در چند سخنرانی اخیر خود به آن اشاره کرده‌اند، کمک بسیار مهمی به جداسازی نیروهای صالح خلق کرد از نیروهای ضدانقلاب و وابسته و مزدور خواهد نمود، تبلیغات گمراه کننده و مخرب این دشمنان انقلاب را در میان خلق کرد علیه رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خنثی خواهد نمود و آن نیروهای سیاسی را که صادقانه خواستار حل مساله دشوار کردستان بر پایه رهنمودهای امام خمینی هستند، بگونه‌ای مؤثریاری خواهد کرد.

در تاریخ ششم خردادماه، پیامی توسط سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران خطاب به خلقهای قهرمان ایران و نیروهای ترقیخواه ضد امپریالیست، انتشار یافت. این پیام توسط آقای غنی بلوریان و چند تن دیگر از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، به دفتر حزب توده ایران در مهاباد آورده شده و ایشان خواهشی کردند که این پیام در اسرع وقت در نامه مردم به چاپ برسد.

ما ضمن بر آوردن خواهشی فوق و چاپ عین پیام حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان افزودن، توضیحات زیر را ضروری میدانیم:

۱- در ارزیابی ریشه‌ها و عوامل بر افروخته شدن مجدد جنگ برادر کشی در کردستان، نظر حزب توده ایران با نظریات اعلام شده در پیام مذکور یکی نیست. نظریات حزب توده ایران در این زمینه، در بیانیه‌ها و مقالات متعدد و پیوسته در نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به حزب دمکرات کردستان ایران که در شماره ۱۳۳ مسره پیاپی رسیده، با صراحت بیان شده است. نتیجه گیری، از ارزیابی پیمان آنستکه نیروهای مهن پرست و انقلابی راستین در کردستان باید هر چه

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران به خلقهای قهرمان ایران و نیروهای ترقیخواه ضد امپریالیست

نمود خواسته‌های خلق کرد مورد تاکید قرار گرفته است و هیئتی جهت آغاز مذاکره به کردستان خواهد رفت، اما رئیس‌جمهور حاضر به اعلام رسمی پذیرش آنچه از جانب خود وی مطرح شده بود، نگرید و هیچ هیئتی نیز برای مذاکره به منطقه نیامد و رژیم جمهوری عمالت تسلیم سیاست نبروهای کردی که قصد دارند بهر قیمت مساله کردستان را از راه تشدید جنگ تحمیلی حل نمایند!

حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق به خاطر تکمیل صفوف نیروهای ضد امپریالیست میهنان و جلوگیری از جنگ برادر کشی در کردستان یکبار دیگر از رئیس‌جمهور بیتی ضد میخواستند نظرات اصلاحی دولت را نسبت به ۶ اصل خود مختاری پیشنهادی از جانب حزب دمکرات کردستان رسماً اعلام نمایند. پذیرش رسمی این خواسته‌ها همراه با اعلام آتش‌بس و برداشتن محاصره اقتصادی کردستان، فضای لازم جهت گفت و شنود و حل مساله امتز مساله کردستان را باز خواهد نمود. ما باید دیگر جداً و قاطعانه از مقامات مسئول و همه آنها یکیک نگران سرنوشت مبارزات ضد

همانند تهاجم گذشته باشکست رو بر خواهد گردید و عواقب آن متوجه همان کسانی است که نمی‌خواهند خواسته‌های عادلانه خلق کرد را مورد تایید قرار دهند. چنین اوضاعی بدون تردید نگرانی عمیق همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی و همه آنها را که به پیروزی نهایی مردم در مبارزه ضد امپریالیست می‌اندیشند، بر می‌انگیزد.

بدین لحاظ ماضع دفاع از حقوق عادلانه خلق کرد، از تمام کوشش‌هایی که متضمن برقراری صلح در کردستان باشد، قاطعانه حمایت میکنیم و با تمام نیرو و جهت تحقق آن تلاش مینماییم.

اما با کمال تأسف مشاهده میشود تمام کوشش‌هایی که از جانب نیروهای مسئول منطقه جهت برقراری آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح بعمل آمده بواسطه عملکرد نیروهای جنگ افروز تمام آنها را که موجودیت خود را در گرو محاصرات موجود میدانند و با شکست مواجه شده است، و دولت همچنان به سیاست لشکر کشی خود در کردستان ادامه میدهد و در روزهای گذشته علیرغم اینکه در جمهوری بنی صدر در چند مورد اعلام

پیش از دو ماه است که آتش جنگ تحمیلی رادر کردستان بر افروخته‌اند. این جنگ تا کنون به قیمت شهادت و مجروح شدن هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان بیگناه گرد تمام شده است، و هر روز ابعاد فاجعه آمیز ترسری بخود میکورد.

بدون تردید تشدید محاصرات موجود در کردستان در موقیعی که مردم ما درگیر یک مبارزه تاریخی و سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی بس کردگی امپریالیسم آمریکا میباشد، و در موقیعی که پیش از هر زمان دیگری وحدت نیروهای ضد امپریالیست یک ضرورت بنیادی است، به مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم میهن ما لطافت جدی وارد خواهد ساخت.

امپریالیسم آمریکا و همه مستعاندان داخلی این رژیم زمان دیگر بر آن شده‌اند بهر قیمت که شده مبارزات مردم میهن ما علیه امپریالیسم را به مبارزات میسان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دام زدن به جنگ برادر کشی، وحدت خلقها و زحماتشان ایران را خنده دار سازند.

هم اکنون در برخی مناطق کردستان دستجات مسلح وابسته

تبلینات مخرب بوی گرفتار آمده‌اند، و نیز در ارتش، زیر لوی ادامه جنگ که خواست خود اوست، بهمان ساند و شرهات و اندر خود را به مردم انتقال دهد (از ۲۰۰ نفر کشتگان سندج تنها ۱۹ نفر از گروهک ضد انقلابی کومله بودند).

برای درهم کوبیدن ضد انقلاب و تامین اتحاد ضد امپریالیستی خلق کرد باید دیگر خلقهای ایران، نخست باید ضد انقلاب را از توده مردم کرد و نیز از توده سر بازان درجه داران و افسران متعهد به جمهوری اسلامی ایران، جدا ساخت و تبلینات سوء او را علیه جمهوری اسلامی ایران با اعلام آتش‌بس و اعلام طرح مصوب ۶ ماده‌ای، لغو محاصره اقتصادی کردستان، آزاد کردن کشتی‌های دریایی، و... خنثی کرد، مردم را به بنیات و اقمی او آگاه ساخت و آنگاه او را با قدرت درهم کوبید.

تنها از این امر میتوان معضل کردستان را حل کرد و اتحاد ضد امپریالیستی خلقهای ایران را تامین نمود.

سایم صیادی (شهردار و رئیس منابرات پیرانشهر)، عماد الدین آصفی (پشتدار بسوکان)، علی حبیبی زاده بوکانی (شهردار بوکان)، محمد عطار (آموزگار و معاون آموزش و پرورش و مسئول شورای شهر پیرانشهر) و فرماندار سوادشهر، که برای دادخواهی و رفع مشکلات محل ماموریت خود به تهران آمده بودند، موجب نهایت تأسف نیروهای مترقی و انقلابی، از جمله حزب توده ایران است.

آیا این افراد بجز تهران و مسئولین جمهوری اسلامی ایران، مرجع دیگری برای بیان مشکلات و تقاضای رفع آن دارند؟ در چنین صورتی، دستگیری این عده از چه مفهومی برخوردار است؟

عمل بشدت نادرست محاصره اقتصادی مردم کردستان نیز، که اقدامی خصانه، تحریک آمیز و ناموجه علیه مردم کرد و امر مسلح و آزارش در کردستان محسوب میشود، همچنان ادامه دارد. در نتیجه این اقدام علناً تشنج آفرین، آن همه علیه مردمی که اصولاً در جنگ شرکت

دستگیری شدگان کردستان را آزاد کنید...

بقیه از صفحه ۱

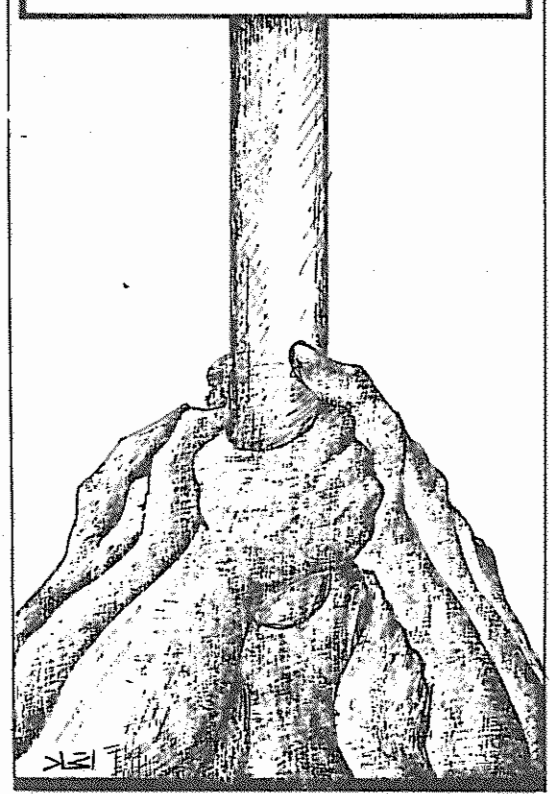
میکند و بذرهای کین، بدبینی و ششم را، که ملی دوران پس از انقلاب و بواسطه فعالیت مخرب عمال امپریالیسم، چه در کردستان و چه در ارتش، در قلوب مردم رنج‌دیده کرد کشته شده است، میرویند.

کشتن ار کینه و خشمی که تنها امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق، آنرا در موی کنند.

تشدید و خامت در کردستان، بر افراشتن پرچم تبلینات جنگی، اعمال کور انتقام جویانه که عدالتا دامن مردم کرد را می‌گیرد، به تبلینات مخرب علیه صلح و مذاکره، محاصره اقتصادی روستایانی که در جنگ شریک نشده‌اند و لسی بواسطه آن از کاشت محصول محروم میشوند و به کام گرسنگی فرور می‌روند، دستگیری عده‌ای از مسئولین دولت در کردستان که جهت مذاکره به

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محسکران است

برای مبارزه با
امپریالیسم آمریکا
دشمن اصلی مردم ایران
متحد شویم
حزب توده ایران



رفقای حزبی! هواداران و دوستانان حزب!

استاد حزبی (اعلامه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبهم انقلابی است.

نامه فروردین
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸ تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹ شماره تلکس: 214081 TPI IR چاپ: کویان

MARDOM
No. 248
29 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

تبلیغات ضدالمپیک آمریکا

مفتضحانه شکست خورد



باشکست ۱۰۲ کشور در المپیک مسکو:

روز شنبه ۳ خرداد، آخرین مهلت اعلام آمادگی تیمها برای شرکت در مسابقات المپیک پایتخت ۱۰۲ کشور، علیرغم تبلیغات شدید ضد المپیک آمریکا که بطور گسترده در سطح جهانی صورت گرفت، برای شرکت در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو اعلام آمادگی کردند.

این دوره از مسابقات، پانزدهمین دوره المپیک است که در مسکو برگزار می‌گردد. در این دوره از مسابقات، پانزدهمین دوره المپیک است که در مسکو برگزار می‌گردد. در این دوره از مسابقات، پانزدهمین دوره المپیک است که در مسکو برگزار می‌گردد.



از طرف مقامات کمیته ملی المپیک اتحاد شوروی اعلام شد که بیش از ۱۰۲ کشور برای شرکت در المپیک ۱۹۸۰ مسکو اعلام آمادگی کرده‌اند.

شوخی نیست...!

معما

در جریان محاکمه کمالی، شکنجه‌گر ساواک، محمدقلی متقی پشت میکروفن رفت و گفت:

دیس از انقلاب مدت ۱۷ ماه در کارخانه ذوب آهن به سرپرستی مشغول بودم. بما گزارش رسید، که حدود ۱۰۰ نفر ساواکی در ذوب آهن مشغول کار هستند. اما وقتی ما مشخصات این افراد را خواستیم، تنها به ما مشخصات ۲ یا ۳ نفر را دادند. این مسئله برای ایران خطرناک است...

(کیهان - ۵۹/۳/۵)

رد پای آمریکا

حجت الاسلام نورمحمدی، اما جمعه گرگان، در خطبه‌های نماز جمعه در این شهر، از کنفرانس وزیر خارجه کشورهای اسلامی در اسلام‌آباد پاکستان، بعنوان کنفرانسی که بیشتر آمریکایی بود تا ضداسرائیلی یاد کرد. وی افزود تریک، ماهیت و مکان تشکیل این کنفرانس نشان از ندهای آمریکا دارد.

(کیهان - ۵۹/۳/۵)

کافر

پرنس همد، ولیعهد عربستان سعودی، در مورد روابط با اسرائیل گفته است.

«پنج یا شش سال پیش شاه گزنی توانستید با بسیاری از احزاب درباره صلح با اسرائیل صحبت کنید، اما حالا در هر کشور عربی فضا آماده صلح است.»

(اطلاعات - ۵۹/۳/۵)

جزوه

دکتر نیازی، که از دوستان نزدیک ذوالفقار علی بوتخت وزیر اعزام شده پاکستان و عضو فعال کابینه او بود، به اتهام نشر جزوه‌های ضد رژیم نظامی پاکستان بازداشت شد.

(اطلاعات - ۵۹/۳/۵)

بهشت آزادی

دستگیری نیروی هوایی آمریکا اعلام کرد ۲۰۰۰ تن از ۸۵۰۰ پناهنده کوبایی به آمریکا در روز به خاطر اعتراض به نحوه زندگیشان سبی کردند بازر از ادوگاه خارج شوند...

(امداد - ۵۹/۳/۵)

هدیه امپریالیستی

وزارت پست و تلگراف اعلام کرد که «کارت برای گروگانها مرسوم و وسایل خودکشی فرستاد. مواد غذایی و شیشه‌هایی مسموم و وسایل برنده و فشنگ از جمله هدیه‌های کارتر برای گروگانها بود.»

(کیهان - ۵۹/۳/۵)

تنگی وقت

سازمان عفو بین‌المللی از کارتر خواست به وضع اعدامهای آن کشور رسیدگی کند.

(کیهان - ۵۹/۳/۵)

قهرمان لهستانی ۲۳۵ متر پرید

باشکستن رکورد جهان:

رکورد پرش ارتفاع جهان توسط یاسک وژیلا قهرمان لهستانی و دارنده مدال طلای المپیک ۱۹۷۶ مونتreal، در جریان مسابقات بین‌المللی ابرشتات (آلمان فدرال) شکسته شد.

قهرمان شوروی رکورد جهانی پر تاب چکش را شکست

رکورد پر تاب چکش جهان توسط سرگئی لیسوف قهرمان ۲۲ ساله اتحاد شوروی، بمقدار ۱٫۰۲ متر شکسته شد.

رکورد قبلی این رشته بمقدار ۸۰٫۶۴ متر به قهرمان دیگر شوروی یوری سدنیخ، قهرمان المپیک ۱۹۷۶ مونتreal، تعلق داشت که در ۱۶ ماه (۶ اردیبهشت) سال جاری پست آمده بود. بمقامه هشت روز این رکورد چابجا شد و سرگئی لیسوف توانست چکش را بمسافت ۸۱٫۶۶ متر پر تاب کند.

رکورد جهانی این رشته از سال ۱۹۷۴ بشرح زیر است:

۴ ژوئیه سال ۱۹۷۴ لیزیک دین‌هاردتیر ۷۶٫۶۰ متر از جمهوری دمکراتیک آلمان

۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۴ مونیخ آکس اسپری‌دونوف ۷۹٫۶۶ از اتحاد شوروی

۱۹ مه سال ۱۹۷۵ ریلین کاردل‌هانس ۷۸٫۵۰ از آلمان فدرال

۱۴ اوت سال ۱۹۷۵ فرانکفورت اسمیت ۷۹٫۳۰ متر از آلمان فدرال

۹ ژوئیه سال ۱۹۷۸ مسکو بزیرس‌سادیوک ۸۰٫۱۴ متر از اتحاد شوروی

۶ سپتامبر سال ۱۹۷۸ هایدن هاپریم ۸۰٫۳۲ متر از آلمان فدرال

۱۶ مه سال ۱۹۸۰ سوچی یوری سدنیخ ۸۰٫۶۴ متر از اتحاد شوروی

۲۴ مه سال ۱۹۸۰ سوچی سرگئی لیسوف ۸۱٫۶۶ متر از اتحاد شوروی

- دو چرخه سوار اسپانیایی فاتح هشتمین دور مسابقات ایتالیا شد**
- در هشتمین دور مسابقات دو چرخه سواری ۲۶۶ کیلومتر، که روز شنبه گذشته در ایتالیا برگزار شد، ژان فرانکو، از اسپانیا، فاتح این دور شد.
- سرعت متوسط فرانکو در این مسابقه ۳۸٫۶۴ کیلومتر بود. پس از فرانکو، گلووانی و لوتوانی از ایتالیا، پریوگوا از ایتالیا، ژوزف سارونی از ایتالیا، پالیریو، ماسیاری از ایتالیا و می‌گل-ماریا از اسپانیا، بترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند.
- پس از پایان هشتمین دور، رده‌بندی کلی مسابقات بدین صورت است:
- ۱- روبرتو ویزنتینی (ایتالیا) ۳۴ ساعت و ۴۶ دقیقه و ۵۳ ثانیه
- ۲- سیلوانا گستی (ایتالیا)
- ۳- پیوستینگ روبرت (اسپانیا)
- ۴- کلوانی موتوانی (ایتالیا)
- ۵- ولادی سروانی (اسپانیا)
- ۶- رونالد ریدیت (بلژیک)
- ۷- گری نروت (سوئیس)
- ۸- برنارد هینوله (فرانسه)
- ۹- ژان فرانکو (اسپانیا)

کاخ بیدار بزم گندم

خانم غرب گندم آباد

یکی از هواداران ارمنی حزب

۵۰۰۰ ریال
۱۰۰۰
۵۰۰۰
۲۰۵۳۸
۹۷۴۳

از نمای عزیزمادر و پدرش که پس اندازمشکل خود را بمبلغ ۲۰۱۰۰ ریال از آبادان جهت بازسازی دفتر حزب در کرمانشاه (پس از حمله پاندهای سیاه ضد انقلابی) تقدیم داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق